

تهدان - چهارراه یوسف آباد
انگلیسی نادری

نشانی:
خیابان چرچیل
کوچه گل کار شماره ۷

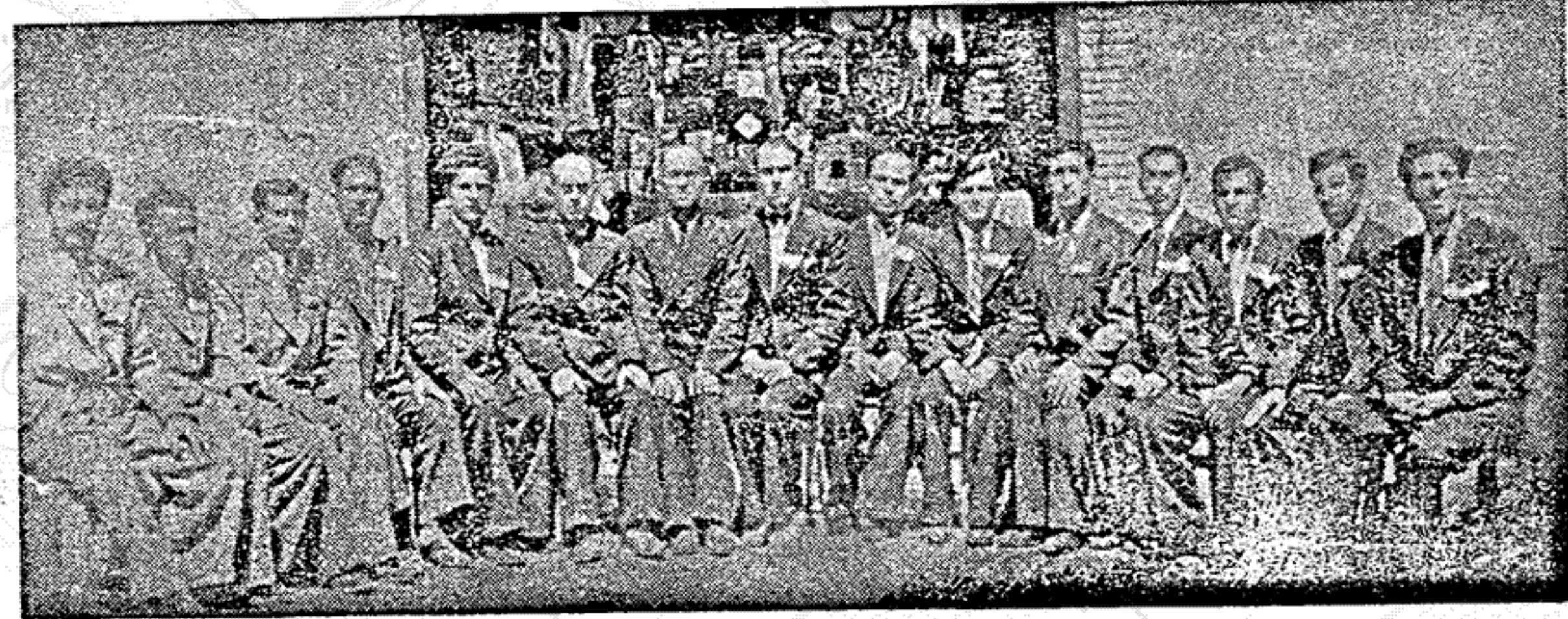


گردآورنده:
مهندس اوبستانی
حبيب الله لوى

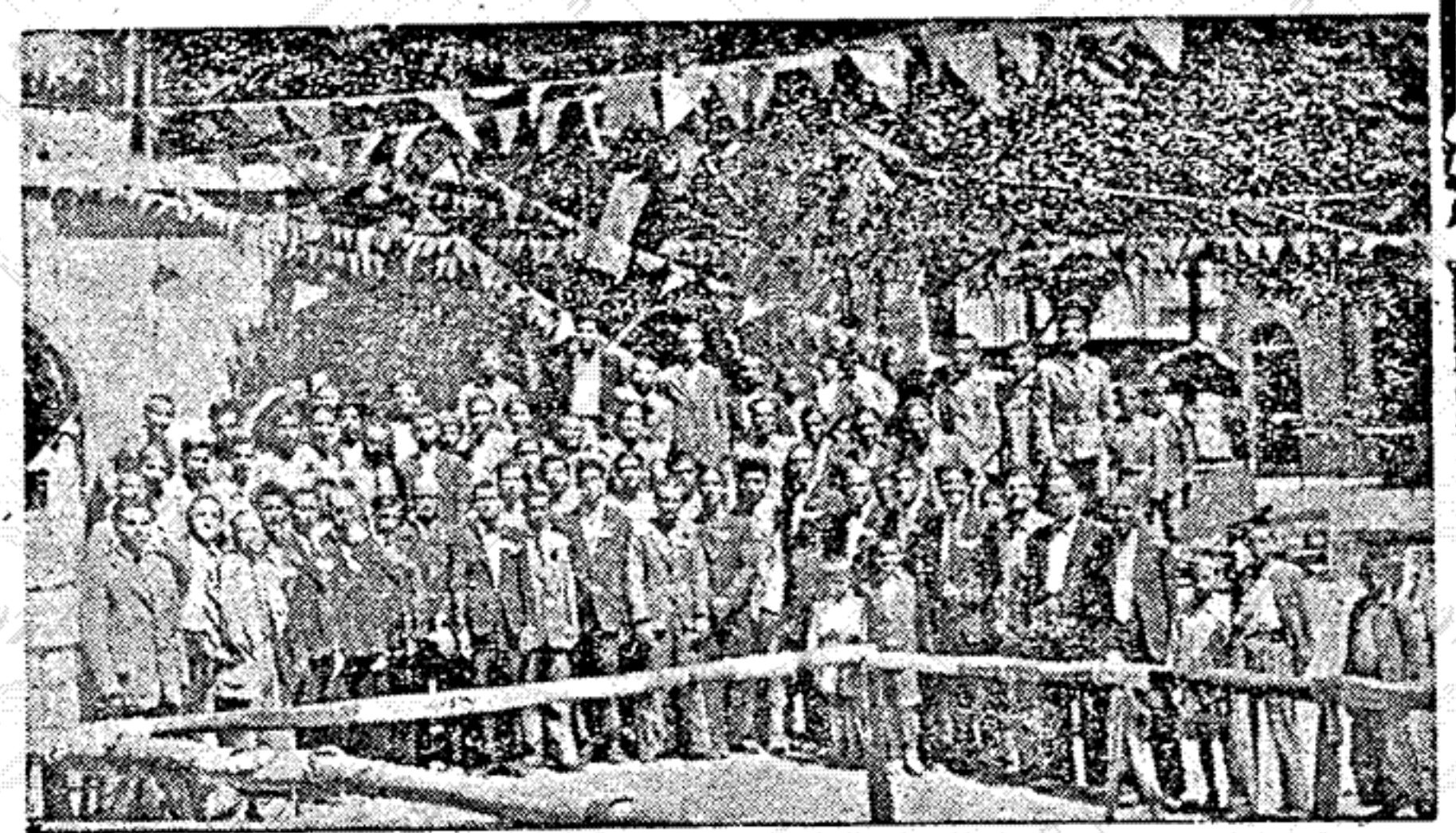
بها ۷ ريال

قسمت ۷

هیئت جوانان ایسرائل کرمانشاه



اوراست بچپ - آقایان: فرشته - نیکروش - جانان - فرخی - احدیان - دایمی - صادقی - باشارال - واحدی
خلیلی - یمنی - شمش - نیکروش - خانزاد - دردشتی
(متأسفانه عکس آقای داود سالم راده که موسس این هیئت بوده اند چون تا بحال بنا نرسید در این شماره چاپ نشد)



منظره ای از کارکنان سازمان پارتی کانون جوانان کرمانشاه در دیرستان اتحاد

برلده جايزه قسمت چهارم
این کتاب دارلده شماره
۷۷۷
می باشد که با ارالده قسمت
چهارم این کتاب مبلغ یکصد
ریال لده اپرداختی هوده

«یکصد ریال جایزه»
برای هر قسمت از این
کتاب که معشر میشود یکصد
ریال جایزه تعیین داده
شده است بدین طریق که هر
قسمت این کتاب دارای لمره
ای خواهد بود و بین لمرات
قرعه کشی خواهد شد پس این
صلحات را نگهدارید و بده
خود را بازمالید هاید یکصد
ریال لعیب هماغروه .

۸۷۹

برلده این قسمت در
قسمت هشتم اعلام میشود

آنگهی

عده ای که بمعروفیت لامار
رشک میدرند بمنظور اخازی بهما
مراجعه میکنند و از ما پول میخواهند
چون ما بهیچیک از این افراد اخاذ
دیناری نمیدهیم باین جهت بر ضد
لامار انتشارات نادرستی میدهند.
تھام مردم تهران و شهرستانها که
پیوسته لامار مینوشند میدانند این
افتراءها چقدر بی اساس است .
لامار را عده ای از پز رشک های
داخلی و خارجی تجزیه کرده و
پس از اطمینان باین که آب پر تقال
خالص و طبیعی است از برای
بیماران مخصوصاً بچه ها توصیه میکنند

روزنامه فروش لازم است
برای بخش و توزیع و فروش کتاب عالم یهود بین
یهودیان ساکن پایتخت ۱۰ نفر مورع یهودی لازم است داوطلبین
میتوانند به چاپخانه بوستانی واقع در چهار راه یوسف آباد
مراجعه نمایند .

همکیشان عزیز

اگر میخواهید قسمتهای این کتاب را مرتباً دریافت دارید
تقاضای خود را باضافه وجه برای هر چند قسمت که میخواهید
به نشانی: تهران خیابان بهلوی سه راه شاه بنگاه گیتی ویاتهران
صندوق پستی شماره ۱۷۶ - بنگاه نشریات هم می ارسال دارید .

تشکر و عذرخواهی

از احساسات پاک و مهمان نوازی ایسرائلیهای رضایی و
اعضاء کانون بهجو بخصوص آقایان عزیز شعبانی ای شالم
شعبانی - شعبان کلیم الیاس مظلومی - الهشاه مظلومی در موقع
اقامت چند روزه این جانب در رضاییه بی اندازه سیاسگذارم
و اگر در موقع حرکت موفق بدیدار یکایک نشدم بدین وسیله
عذر خواهی مینمایم .
د - کهن

مراکز فروش قسمتهای این کتاب

چاپخانه بوستانی یوسف آباد - بنگاه گیتی سه راه شاه
داروخانه بین المللی و بنگاه سعادت خیابان سعروس - مغازه
هیک خیابان کاخ - بنگاه هم می صندوق پستی شماره ۱۷۶ -
فروش فروشی هافار خیابان منوچهری - مغازه گاردت پارتی
چهار راه کنت - نوشت افزار فروشی بهار چهار راه رازی
شهرستانها - دربابل - گلیابکان - اصفهان - کرمانشاه
اهواز - سنج - بروجرد - شیراز - کروس - خین - خوانسار
تویسرکان - نماینده موجود و در سایر شهر ها نماینده قبول
میشود و با فرستادن وجه هر چند شماره که بخواهند با تخفیف
صدی بیست ارسال میشود
قسمتهای فروش نرفته پس از یک هفته بشرط تمیز و سالم
بودن پس گرفته میشود . از خواندن این کتاب غفلت نفرماید
و رقفا و آشنایانرا در خواندن این کتاب تشویق نماید .

تشکیلات

آرزوها و تمایلاتش روز بروز بیشتر و تازه تر میشود و خود بتهای نمیتواند کلیه مایحتاج خود را تهیه کند لذا ناچار است بدور هم جمع شده و جامعه ای را تشکیل دهد در روزهای اولیه بواسطه احوال و عادات و اخلاق گوناگون و کثرت خوی بشر یک قسم بی نظمی و درهم برهمی ایجاد کرد که انسان مجبور به چاره جوئی شد. بهترین راهیکه توانست برای اداره جامعه خود و جلوگیری از تشدد افکار و ایجاد هم آهنگی پیدا کند وضع قوانین و برقراری قواعد بود که با طی طریق تکامل آن هنوز آن راه را میباید. وضع قوانین و قواعد به تنهایی برای اداره اجتماع و رهبری بشر کافی نیست بلکه متمم و مکملی مورد لزوم است و آن تشکیلات است، تشکیلات که بمعنی اتخاذ طریقه ایجاد نظم و ترتیب و تعیین راه هدایت جامعه میباشد بهترین وسیله ای است برای رسیدن بدورترین مقاصد.

هر جامعه ای که وسیعتر باشد تشکیلات آن باید مهمتر و بیشتر و منظمتر باشد. اولین شرطیکه دلیل بایدارگی و برقراری هر تشکیلاتی است ایمان و علاقه افراد هر جامعه ای است به تشکیلات خود.

ملت اسرائیل از روزهای اول ایجاد ملیت و قومیت خود در تحت رهبری پیشوای بزرگ خود حضرت موسی ع دست به بزرگترین و منظمترین تشکیلات ملی زد.

در همان موافقیکه تازه از زندان بردگی خود یعنی مصر و از یوغ اسارت نجات یافته بودند و قدم در بیابانهای سوزان عربستان مینهادند دستور رسید که برای شور و حل مسائل ملی و اجتماعی لازم است از طوایف دوازده گانه ملت اسرائیل ۷۰ نفر از مردان مجرب و مسن و دانا انتخاب شود و شد کلیه اوامر و مطالب مربوطه بملت چه داخلی و چه خارجی در بین این ۷۰ نفر در تحت رهبری حضرت موسی ع مورد بحث و مطالعه قرار میگرفت این انجمن تا مادامیکه ملت اسرائیل دارای استقلال بود بعنوان مختلفه از آن قبیل بنام «سن حدریم» ادامه داشت و پس از آن یعنی در موقع آوارگی و در بدری نیز در هر گوشه و محلیکه چند نفر اسرائیل پیدا میشد یک انجمن محلی برای شور در باره وضع زندگانی خود تشکیل میگرفتند نسبت به اقتضای مکان و زمان و نوع احتیاجات خود انجمنهای خود را تاسیس میکردند و بریرا در بیم و امید بسر میبردند.

اسرائیلهای خارج از ایران علاقه و دلچسبیشان به تشکیلات باندازه ای است که انعکاس اقدامات آنها عالمگیر شده است و در نتیجه نیات پاک و تشکیلات منظم توانسته اند دست کهک بطرف دورترین برادران خود دراز کند از آنجمله تشکیلات هیئت آلیانس اسرائیلیت است که میتوان گفت عمر دوباره بعالم اسرائیلی دنیا بخشید تشکیلات آنها باندازه ای وسعت

انسان حیوانی است با اراده و اجتماعی که قانون آفرینش او را مجبور نموده است که همیشه در بین هم جنسان خود زندگانی کند. چون احتیاجات بشر بسیار است و آمال و از تمدن و از اخلاق و از تربیت دور شده اند.

۵ - تو که در راه تعلیم درس آزادی پیشقدم بوده ای توانستی تا آخر برای استقرار آن بایرداری نمایی زود دچار ضعف روحی و احتیاط شدی.

در بین اولاد تو همیشه دو دسته گی و کینه توزی وجود دارد. هیچیک از فرزندان تو برای جامعه تو راضی نیستند. کاری کند. اغلب فرزندان تو منافع خویش را بر مصالح اجتماعی ترجیح میدهند.

برو به بین مدارس تو و بران و وضع زندگانی فرزندان تو شرم آور و زرق بار وضع کنیساها و طرز تفیلا خواندن تو حزن انگیز است.

تو از اصلاح اوضاع داخلی خود عاجزی تو همیشه حیران و واله منازعات داخلی خود هستی تو همیشه بر سر تنش فرزندان خود شیون میکنی. کجا میتوانی بگویی من هم از این بساط عدل انسانی دارای سهمی هستم؟

اگر هنوز خون شهدای تو در میدانهای متروک جنک باقی است و سنگین ترین نلفات را متحمل شده ای ولی سهم را جر تو معلوم نیست. بملت سستی و بی اراده گی و خود خواهی فرزندان تو است عده ای از فرزندان تو برای آبرومند نمودن تو نمیکوشند بلکه برای جاه و مقام شخصی سعی میکنند. برای ارائه آخرین راه علاج بتو میگویم فرزندان خود بگو اگر میخواهند در جامعه دارای مقامی بوده و حق از دست رفته خود را بگیرند و از این بیعت حقشان محفوظ باشد.

همه متحد حاضر شوند که دست از منافع شخصی بکشند تمام کوشش و مجاهدت خود را صرف تجدید افتخارات ملی خود نموده و هر کسی هر چه دارد. متمولین ثرو و ثشان دانشمندان دانشیان مفرمندان هنرشان کارگران بازانان جوانان نیرویشان پیران تدبیرشان را روی هم رفته و تقدیم جامعه نمایند بدون اینکه منتظر دریافت اجر و مزدی شوند پس از آن به بین آیا جامعه بشری حق ترا پایمال خواهد نمود؟ علاوه بر اینکه حق ترا ثابت و پا برجا خواهد دانست بیش از آنچه که انتظار داری بتو خواهد داد. ولی با یک شرط کلی.

یعنی برای گرفتن حق بایستی قیام دسته جمعی کرد و همه کس از منافع شخصی چشم پوشیده و خود را آماده فداکاری برای جامعه خود نماید!!!

در صورتیکه امروز علم و صنعت اکتشافات و اختراعات با تهای ترقی رسیده است پیشوای اخلاقی و تمدن تو مناسب چند هزار سال قبل بود ولی امروز با چه هنری میخواهی خود را در ردیف ملل مترقی قرار دهی؟

اگر در تحولات اجتماعی و سیاسی از رشیدترین فرزندان خود قربانی داده ای و اجری نبرده ای تاریخ فراموش نمیکند ولی هنوز بی نبرده ای چرا؟

برای اینست که ارزش و قیمت خود را بدست خود از بین برده ای برای اینست که نمیخواهی بدانی تاریخ برای توجه مقامی را تعیین کرده است و نمیخواهی بکوشی مانند ملل مترقی جهان در نتیجه کوشش و مجاهدت و ابراز لیاقت آن مقام را بدست بیاوری.

در بین فرزندان تو اتحاد و هم آهنگی نیست. تو توجهی بفرهنگ و بهداشت نداری افراد تو مردم اجتماعی نیستند.

با نداشتن هنر و نتیجه عدل نیکی خود را برتر از همه تصور میکنی بانک اینک قوانین و دستورات تو اولین و بهترین دستورات است بدون اینکه آن عمل نمایی و با اطلاعی از قوانین خود داشته باشی.

میخواهی امتیاز خود را در نزد دیگران تثبیت شده بیاپی. ۳ - در بین طبقات تو فواصل و تفاوت های یخدی هست.

پیش چند نفری اندوخته های زیاد از حدی خفته است در صورتیکه هزاران نفر از فرزندان تو از گرسنگی و برهنگی میسیرند.

در قوانین دینی تو میگوید «اگر دینی الاغ دشمنت بزیر بار افتاده است مبادا بگدیری البته باید که کنی» آیا تو با داشتن چنین دستوری که توام با تاکید است با اجرای آن اقدامی مینمائی؟

بار هنوعان و دوستان و یاران تو امروز بر زمین افتاده است هزاران اطفال یتیم و بی سر پرست در کوچه و خیابان و پلان است هزاران بیمار و بیکار داری وضع تشکیلات ملی تو کاملا خراب است آیا آن متمولین و فرزندان ثروتمند تو کسکی میکنند؟

تو که فرزندان امروز نسبت بیکدیگر یاری نمیکند چگونه امیدوار هستی جامعه بشری حق از دست رفته ترا ثابت بداند و بتو بدهد.

۴ - دستورات تو امر دینی تو که روزی رهبر و هادی نوع بشر بوده امروز بواسطه تفسیر غلط برای حفظ منافع عده ای جاه طلب و خود خواه از نظر فرزندان تو افتاده است. اولاد تو توجهی باو امر دیناتی تو نمیکند از حقیقت و

تو قدیمترین ملتی هستی که در زمان بربریت و عصر جهالت نوع بشر، مسئولیت پیشوایی اخلاقی جامعه را عهده دار شدی تاریخ میگوید که خونین ترین وقایع و برحادثه ترین سر-نوشتهای روزگار را دیده ای و تحمل نموده ای. و ترا مستحق و قابل برابری با بزرگترین ملل مبارز میدانند و ترا در گرفتن حق پایمال شده ات ذبح میدانند ولی چند نکته را از نظر دور کرده ای

۱ - اینکه حق گرفتنی است نه دادنی یعنی انسان بایستی خودش قیام کند نه اینکه منتظر باشد که دیگران باو تقدیم کنند در صورتیکه تو نشسته ای و هر چه بر تو وارد میشود سکوت مینمائی و هنوز بنیه حیاتی و اجتماعی خود را قوی ننموده ای و مجاهدت و فعالیتت از خود نشان نمیدهی. و در پیودن راه صعب العبوز و رو به بالای تمدن و ترقی کمتر شرکت مینمائی و اغلب از هر پیش آمدی خود را ترسان جلوه میدهی و برای گرفتن حق خود قیامی مینمائی و معائنظه کارپرا پیشه خود نموده ای چطور انتظار داری که ترا در ردیف ملل مجاهد بدانند و حق خود را بدست آوری؟

۲ - نمیدانی که یکی از قوانین خلقت پیشرفتت در طریق تکامل است یعنی جامعه بشری بایستی هر روز بیوی ترقی و تعالی قدمی از روز پیش بیشتر نهد.

تو با داشتن تعالیم اخلاقی با داشتن سنت پیشوایی مرتکب این اشتباه شده ای که تصور میکنی اگر در چند هزار

سال پیش نسبت بملل دیگری برتر بودی امروز هم میتوانی باشی در آن زمان امتیاز تو از آن لحاظ بود که برده سیاه جهالت و گمراهی سراسر جهان را فرا گرفته بود ولی تنها تو بودی که بسوی تمدن میرفتی - بسوی تمدن پیشرفتی تا آنجاییکه گرفتار غرور و نخوت نشدی.

از آنرویکه خود را در نهایت جلال و عظمت یافتی تکبر و خودخواهی خطرناکی دامتگیر تو شد از همان موقع پیشرفت تو متوقف شد مدتی ساکت ایستادی اولادان ناخلف و بی تجربه تو که مست خود بسندی و خود خواهی بودند بجای اینکه در ادامه راه سابق تو با تو یاری کنند سبب عقب نشینی و تنزل اخلاقی تو شدند.

از پیشرفتن باز ماندی بنه اجتهادی و رشد فکری تو ضیف شد دشمنان بر تو حمله کردند و به اسیری رفتی فرزندان را کشت و قتل عام کردند ولی نفهمیدی برای چه اسیر دشمنان شدی!

از آنوقوع در بدری تاکنون که قدمی برای پیودن راه ترقی بر نداشته و از قافله تمدن عالم انسانی عقب مانده ای هنوز تصور میکنی که مقام پیشوایی سه هزار سال پیش را دارایی باشی

بملت یهود ایران چه میگویند

پیدا کرده و دو نظر جامعه اسرائیل بعدی دارای اهمیت است که جنبه سیاسی هم پیدا نموده است مانند تشکیلات صیونست که در سراسر جهان ریشه کرده است . ولی بدبختانه مدنی است که ملت اسرائیل ایران برای اصلاح وضع هرم آور داخلی خود و برای هدایت هزاران فرد گمراه اسرائیل نتوانسته است هنوز يك تشکیلات پا بر جا و منظمی ایجاد نماید

نام هزاران انجمن و مؤسسه را میشنویم ولی اثر نیک و عمل خیری از هیچیک نمی بینیم . آوازه گوش نواز و نام دهان پر کن فلان انجمن و زبان زد خاص و عام میشود ولی پس از مدت کوتاهی اعلام ور شکستگی و اهلاش همه را بعیرت میاندازد .

روزی دعوت نامه های تشنگ و گاهی هم معطر و خوش بو بدست اشخاص میرسد و مردم را بجهت تازه ای دعوت میکنند هر اسرائیل دردمند و هجران کشیده ای از عنوان پر آب و تاب دعوت کنندگان و از مشاهده کارت دعوت تشنگ و خوش بو تصور میکنند که مسکن است دلبز طناز و دلربایی که سالها بانتظارش خون از دیده فشانده اند آنها را به پیش خود خوانده است ولی متأسفانه پس از پذیرفتن دعوت و حضور در جلسه و مشاهده تشریفات پر طمطراق و استماع بیانات آتشین که باید چنان کرد، و باید چنین بود چنان میکنیم و چنان میشویم و پس از ترک آن جلسه که امیدی بدلبها بخشیده است بکورت مردم ساده و بیخبر میشوند که این دلبر هم از دلبرهای پیشین بی وفا تر بود .

«عجب ! معلوم میشود این جامعه اسرائیل فلک زده ایران نفرین کرده است یا بخت و اقبالش گره کوره افتاده است که هیچ تشکیلاتی برایش پایه دار نیست .»

اگر قاموس یا کتاب یاد داشتی درباره تشکیلات نارس و نیمه عمر اسرائیلی ایران تنظیم میشد شاید بزرگترین قاموسها و تنگین ترین یاد داشتها را دارا بودیم !

برای چه ما از داشتن این نعمت پر بها یعنی «تشکیلات خوب» باید محروم باشیم . ولی برادران دیگر ما در سراسر جهان نفوذ داشته باشند ؟

برای اینست که آنها خود را در مقابل جامعه خود موظف و مسئول میدانند و خود را آثریت میکنند که روزی برای پیشرفت و ترقی جامعه خود خدمت نموده و فداکاری کنند ولی ما بدبختانه میخواهیم جامعه برای ما کار کند و انجمنها بنفع ما و بنام ما در گردش باشد تا ما بزرگ جلوه کنیم یا برای از بین بردن فلان شخص فداکار قیام کنیم

خلاصه ۳۰۰۰ یعنی ماهه چیز را برای خودمان میخواهیم و حتی ما ایام جامعه ما فدای کمترین منفعت شخصی خودمان شود ولی دیگران میخواهند شخص خودشان فدای مصالح و منافع جامعه شان شود ؟ چشم پوشی از هزاران میب فردی و اجتماعی که دامن

گیر همه ما شده است .

ما نظریات خود را درباره لزوم تشکیلات و اهمیت آن برای افراد اسرائیل ایران پیشنهاد میکنیم .

اگر فرزند شما مریض باشد خود به خود وادار میشوید که از همسایگان و خویشان خود برای بهبودی او سؤالانی کنید و اگر ناخوشی او بیشتر باشد بدون اراده یکمرتبه متوجه می شوید که يك کمیسیون چند نفری از بستگان خود تشکیل داده اید و بشور با آنها برای طرز معالجه و مدارای او پرداخته اید و میبرسید و پیشنهاد میکنید که بکدام طبیب بهتر است مراجعه کنید یا بچه طریقی او را پرستاری نمایید .

اگر بخواهید بگردش چند روزه بروید از چند هفته پیش با رفقا و دوستان خود مشورت میکنید بفرکر تهیه وسایل آن هستید .

اگر بخواهید چند تکه فرش یا لباس بخرید حتما با چند نفر از دوستان خود مصلحت میکنید و نظریه میخواهید . اگر خوب دقت کنیم می بینیم افراد بشر اصولا خود را محتاج مشورت و کمک دیگران میدانند .

این علت باطنی و دلیل مخفی فردی سبب میشود که جامعه ای روبرو شوهرها و تشکیلات دارالشوراهای کشیده شود که سر نوشت اجتماعیش از خطر بی نظمی و تطاول انحطاط و انقراضهای پیاپی که همیشه در دنبال هر در هم برهمی و هر بی نظمی است مصون باشد .

تشکیلات يك موضوع معین و بخصوص نیست که بتوان آنرا مانند فرمول یا متحدالبالی بکلیه جامعهها پیشنهاد کرد بلکه مقتضیات مکان و زمان باشکال مختلفه ایجاد آنرا باعث میشود . گفتگو و پیشنهادات مادر باره تشکیلاتی است که با در نظر گرفتن احتیاجات و موقعیت و استعداد ملت اسرائیل ایران تا اندازه ای با جریان اوضاع محیط و موقع وفق دهد .

در واقع تشکیلات بمنزله حبه مرکزی است که رشته های لازمه و مربوطه به احتیاجات اجتماعی از آن منشعب میشود جامعه اسرائیل ایران محتاج سازمانی است که رشته های زیر از آن ساخته میشود

- ۱ - يك انجمن متشکل و متجانس از افراد منتخب و مورد اعتماد کلیه جامعه اسرائیل ایران بنام «سازمان مرکزی ملی جامعه اسرائیل ایران» (بجای جبرا و انجمن مرکزی)
- ۲ - انجمنی بمنظور تربیت و اجتماعی نمودن زنان با کمک مردها بدست خود زنان بنام «انجمن آزادی زنان اسرائیل ایران»
- ۳ - تشکیلات جوانان بمنظور بیداری و آمادگی کلیه افراد جوان اسرائیل ایران برای تربیت اعضای فعال جامعه از آنها بنام «انجمن مرکزی جوانان اسرائیل ایران»
- ۴ - انجمن دوشیزگان برای تربیت و بیداری کلیه دختران اسرائیل ایران

قلم : « فرشته »

بتو هستیم

بتو هستیم ای جوان ، ای جوانیکه از احساسات ملی بی خبری و در یغولۀ تاریک گمنامی روز و شب را با بیجانی کامل طی میکنی و خواهان فعالیت نیستی ، بتو هستیم ای جوانیکه با سستی بیمانند هشق ملیت را در کانون قنیت نابود ساخته ای و از نهضتهای لذت بخش ملی بی اطلاعی ، بتو هستیم ای کسیکه از دیدن خاموشی مرگبار ملت انقلابی بزرگ در فکر و مغزت ایجاد نیگرود و سوز و گدازی دل و قلبت را مشتمل نمیسازد ، آری بتو هستیم ، نوشته ام را بخوان ، يك دو بار آنرا مطالعه نما و سپس منصفانه در باره آن قضاوت کن .

من میخواهم برخلاف دیگران که برده پوشی و استوار را دوست دارند و برای ننگامداری آن از هیچگونه انسانی خود داری نمیکند بپرسم ، آیا باید حقیقتاً بهتر از این درذلت و بیچارگی ، خواری و بدبختی بسر ببریم ؟ آیا باید بیش از این در منجلاپ سیاه کالوت غرق و خفه شویم ؟ آیا باید شدیدتر از این در زیر دست نگاه بیرحمه کسائیکه حقوق ملی ما را با مال و فسا میسازند مضمحل و نابود کردیم چه کنیم ؟

بهین حال بمانیم و با رسوائی و انتضاح زیاد چندروزه کوتاه عمر را ساکت و خاموش بگذرانیم یا با يك نهضت و جنبش بی نظیر ملت را از خواب دو هزار ساله بدبختی بیدار سازیم و تاریخ ساکت خود را مجدداً مهیج گردانیم ؟ چه میگوئید ؟ چه کنیم ؟

افتخارات بزرگ ملی خود را بچنگ بیآوریم یا زبان اجدادی خود را هم ندانیم ؟ باضعف و بیجانی زیاد و با قهقهه تسخیر دیگران زندگی خود را توأم سازیم یا در فکر نجات و رفع معایب اجتماعی خود باشیم ؟ برای تربیت نونهالان خود ، برای بوجود آوردن جوانانی

- ۵ - کمیسیون مالی (سندوق ملی)
- ۶ - کمیسیون فرهنگی مرکزی برای رسیدگی بکلیه مدارس و امور فرهنگی تمام شهرستانهای ایران مربوط به ملت اسرائیل
- ۷ - کمیسیون بهداشت
- ۸ - کمیسیون سیاسی
- ۹ - کمیسیون تبلیغات
- ۱۰ - کمیسیون دینی
- ۱۱ - کمیسیون رسیدگی بامور داخلی ملت
- ۱۲ - کمیسیون رسیدگی بامور شهرستانها
- ۱۳ - کمیسیون اجراء
- ۱۴ - کمیسیون ورزشی
- ۱۵ - کمیسیون خیریه

لایق و پر ابتکار و برای مبارزه با خرافات و نادانی آمساده فداکاری شویم یا مژگانانرا روی هم بگذاریم و معایب را نه بینم ، زیاد نمی نویسم و خسته ات نمیکم اگر بقصود و منظور اساسیم بی برده ای پس گوش کن ، بتو هستیم ، مگر نه اینست که سر نوشت بشر بالاخره بمرک متهپی میشود ، مگر نه اینست که عاقبت پیکر خوش ریخت ما باسکتی بیر ریخت مبدل میگردد ، مگر نه اینست دیر یا زود باید لباس مرگ پوشید و چشم از دنیا بست ، اگر بصحت گفتارم اعتراف داری پس چرا تا زنده ای زندگی نمیخواهی ، چرا تما حیات داری روح مرده ملیت خود را زنده نمیگردانی ؟

آخر این چه وضعی است ؟ کوسه و ریش پهن که نمیشود ؛ در زنجیر آهنین کالوت محبوس بودن و خود را آزاد دانستن را جور نمیآید ، اشتباه نکن ، تنها خوردن و خوابیدن زندگی نیست ، بی برده بگرم زندگی امروزی نمونه ای از سستی است ، نمونه ای از لاقیدی و رسوائی است !

باید بفکر چاره بود ، یا مرک یا زندگنی ! اگر آرزوی ادامه زندگی دارید پس چرا تحمل شدیدترین مصیبتها را مینمایید و دم نمیزنید ؟ چرا قبول تسخیر دیگران را می کنید و خود را اصلاح نمی نمائید ؟ چرا در یغولۀ سیاه گمنامی بی حس و بی جان خوابیده اید و جرأت اظهار حقایق را ندارید ؟

چرا تا هستیم از حقوق پایمال شده ملی خود چشم می پوشید ؟ از چه ترس داری ؟! میترسی دیگران از هیجان و آتش احساسات تو منزجر و متفر شوند ؟ چه اشتباه بزرگی ! تو هم حق حیات داری ، تو هم باید مانند تمام اقلیتهای دنیا زنده بهمانی و زندگی کنی ، تو هم باید افتخارات ملی و مذهبی خود را دردست داشته باشی و با آنها مباحثات و افتخار کنی ، افتخارات ملی ما بقدری زیاد است که بزرگی ملت کهن سال ما را ثابت میگرداند فخر بگذشته کافی نیست بلکه باید باعمل و فداکاری افتخارات را تجدید نمود باید با کنجکاوی و جسارت فوق العاده زیاد آنها را از گوشه های تاریک گمنامی بیرون کشید و بجهاتیان نشان داد .

متوجه باش هفده وقت قلم تاریخ را در دست تو قرار نخواستند داد ! دقت کن ساکت و خاموش نمیری و تا زنده ای بی ثمر و بی ارزش نباشی ، برای رهائی از گردب بدبختی ، بی ترسی از مرک يك قدم جلو بگذار ، معایب اجتماعی را بگو ، شجاعانه با عفریت ناهنجار خرافات مبارزه کن ، تودۀ جاهل را از گرداب جهالت نجات بده ، نگذار خاکستر سرد فراموش آتش احساسات جوانانرا خاموش سازد ، اگر اینها را عمل کنی ، اطمینان داشته باش سماعت ملی تو تامین میشود و میتوانی سربلند و پر افتخار زندگی کنی



ادبیات مذهبی

پر بهاترین کالای عالم انسانی

آنانی که اخلاق و دینداری را قادرند بزبان اهل ادب جلوه دهند آورده اند که روزی مردی برای فراغت از زنجبهای جهان فانی سوی آسایشگاه جاودانی رهسپار گردید اما چون بدروازه آن رسید فرشته پاسبان پیش آمده بدو گفت هر گاه میخواهی بدین جایگاه پاک در آیی باید بروی و بر بها ترین کالای عالم انسانی رانزد من آوری .

آن مرد بر گشته در اندیشه فرو رفت که آیا چه چیز نزد فرشته تواند برد که در نظرش پسندیده آید و با خود گفته بیگمان گوهر های گرانبهایی که شهریاران نامدار در تاجهای خود نشانده اند برای این مقصود در خور خواهد بود .

سپس ونج فراوان کشید تا مشتی از آن گوهر های تابان بدست آورده نزد دربان آسمانی برد . فرشته از دیدن گوهر ها تسخیر آغاز نموده گفت ای مرد بدان که کوی های این شهر خود بازر ناب فرش شده و دیوارهایش را با سنگهای از این گرانبهاتر پوشانیده اند برو کالای بهتری بدست آور .

مرد از شنیدن این سخنان افسرده شده بر گشت و با خود اندیشید که اگر سیم و زر یاد و گوهر در اینراه سودمنده نیست ناچار باید نیرو و دلآوری منظور باشد . این بود که پس از چندی تیغ آبدار اسکندر را که گشایند در های بزرگ فیروزی بود با خود برد و یقین کرد که این متاع گرانبها در پیشگاه فرشته در بان پذیرفته خواهد شد . فرشته از دیدن شمشیر آهی کشیده گفت مگر نه اسکندر زاده خاك بود و مگر نه او بود که بدست کهن گماشته ما بر سوابی جان سپرد ؟ حاشا که نیروی سراسر زمین در برابر شکوه آسمانها ارزشی دارا باشد !

مرد از شنیدن این پاسخ بیش از پیش غمگین شده رفت و این بار پس از اندیشه و تلاش بسیار خرد نامه ها و امثال حضرت سلیمان را با خود برد بدین امید که خرد و فرزوانگی کلید در های آسمانی و وسیله تحصیل سعادت جاودانی خواهد بود اما فرشته سری جنبانده گفت نیدانی که حکمت انسانی در آسمانی که هیچ امری در آن پوشیده نیست ابلی و نادانی شمرده میشود ؟ بر گرد و کالایی نیکو تر جستجو کن .

چهارمین بار مرد رهسپار بادلسردی و خستگی بر گشت و در بیابان نومیدی و سرگردانی گام زد و چون سر انجام چیزی که برای دخول برای جاودات ارزنده باشد دست نیابد بر آن شد که نزد فرشته بر گردد و بر ناتوانی و شکست خود اذعان نماید . در میان راه گدای دلشکسته و بیوای خسته

ای را دید که پیکرش معجروح و خون از جراحاتش روان بود . از مشاهده این حال دلش بر آن گدا بسوخت و به بخت زخمبایش پرداخت و بر شک خونش اشک خوین از دیده روان ساخت که در دم فرشته بیدار گشت و پیش از آنکه داستان عجز او را بشنود دست خود را سوی او دراز کرده فریاد بر کشید که زهی ای مرد ! کار خود را کردی و ارمغان آسمانی را آوردی !

مرد با شکفتی هر چه بیشتر سر خود را بلند نموده گفت من که چیزی نیآورده ام و هم اکنون بر آنم که بر دامت آویخته بضمف و ناتوانی خود اعتراف نمایم اما فرشته از طرفی بچهره اشک آلود مرد دستبردی کرده قطره ای از اشک بر داشت و از طرف دیگر دل شکسته و خون چکان ویران دست گرفت و گفت اینانته بر بهاترین کالای عالم انسانی که دلسوزی و بخواری نوع بشر نام دارند . اکنون به آسایشگاه ابدی در آ و پادشاه خود را از خالق ارواح دریافت نما

ذوق نویسنده محترم مقاله هیجان آور فوق را تیریک گفته و نظر خوانندگان گرام مخصوصا متولین و مردان توانای خود را آن معطوف داشته و میگویم ما همه مسافر دنیای ابدی هستیم و تنها توشه ای که در این سفر ناما و بو طولانی ما را از فنا و نابودی حفظ میکند و در پیشگاه حضرت احدیت میرا و سرافراز جلوه میدهد همانا دستگیری به ضعفا و خدمت به جامه و معارفت یکدیگر است . که در این دنیا نیز شخص را مفتخر و دلشاد و راضی و محترم نگه میدارد .

(بقلم افسرده)

پیداد مکن

سرمامله ورمیشود لشکر خزان با سرعت زیادی بسوی باغ وچمن بیش میرود و جوانان بهار در معرض تماحت و تاز قرار می گیرند . نونهالان باغ از آغوش مادرانشان جدا میشوند ، پید و چنار بخود میارزند . چمن مضطرب میشود گلهای بر بر شده آغوش مادر را ترك میگویند . بلبل فراق کشیده که هنوز از بوی گل سرمست نشده بود راه فرار پیش گرفته و فریاد میکشد که :

پیداد مکن صدایی که از اثر کوبیدن تنک بر سندان بر میخیزد و غریبی که از دهانه نوپ منگام خروج کلرله بگوش میرسد ، غرضی که از برخورد آب با تخته سنگها بظهور میرسد ، ناله های ضعیفی که از زیر تخته سنگهای آسیا شنیده میشود ، اصوات موزونی که از اثر کشش آرشه بر تارهای ویان بگوش میرسد میگویند که :

زن در عالم یهود

(جواب سر جواب)

در قسمت چهارم اینجانب مقاله ای را که نمونه و خلاصه ای از مباحث انجمن روحانی بود راجع به « زن در عالم یهود » درج و بقیه آنرا موقوف به آیدم نمودم و چنین تصور میکردم که اگر هم دیگران انتقاداتی در این زمینه داشته باشند بر خواهند کرد تا مباحث زن در عالم یهود تمام شود بصورت يك واحد مکمل در آید لکن نویسنده معترمی که نام قلمی خود را (حکر دجه) معرفی نموده اند طعانت تحمل نداشته در قسمت پنجم کتاب جوابی تهیه نمودند و اسب انتقاد را در میدان احساسات دو ایندند .

من که همیشه انتقاد را دوست دارم و بر رفقای خود گفته شاعر بزرگ ایران شیخ سمدی شیرازی را که میفرماید (متکلم راتا کسی هب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد) تلقین میکنم از انتقادات ایشان نه فقط نرنجیدم بلکه لذت بردم بخصوص که دیدم مقاله نخستین بنده بوده که ایشان را سر ذوق آورده و موجب تهیه مقاله بعدی گردیده است و در نظر من بحث در پیرامون مقام زن آقدر اهمیت دارد که هر کس هر چه نویسد ام از اینکه صد در صد مقرون بصواب نباشد قابل مطالعه و بلکه قابل تحسین است .

پیداد مکن

طافل شیرخوار یکی از آغوش مادرش جدا میشود گریه آغاز میکند ، کودک خرد سالی که با مانی زور بر شده و از سختی آن تنک آمده میکشید ، مادر رنج دیده که بر سر بالینش فرزندش اشک میریزد ، عاشق بینوائیکه در برابر معشوقه اش سر تسلیم فرود آورده و سرشک فرو میبارد میخواهند بگویند که :

پیداد مکن متهم بیگناه در زیر نقاب عدالت از شدت رنج و عذاب نمره میکشد ، کارگر بینوائیکه از حق خود محروم شده است با گریه و وزاری درخواست میکند ، آواره بی بناهی که در هر گوشه و کنار با جبار از حقوق حقه خود صرف نظر میکند میخواهد « ولی نمیتواند » بگوید ، یهودی سرگردانی که اجازه ورود به منزلش را هم ندارد در همه حال فریاد بر میآورد که :

پیداد مکن عقل تو را بدمیدهد ، وجدان ترا نحرک مینماید ، عرافت در تو تلقین میکند ، جوانمردی بتو امر میکند ، ترس از انتقام تو را فرمان میدهد که :

پیداد مکن آری توای ستمگر بیرحم ، توای جانی سنگدل ، توای خائن وطن فروش ، توای پشتیبان بردگی و توای طرفدار آوارگی از روز قیامت ، از ساعت انتقام و از ابدیت مطلق بترس و :

پیداد مکن

قبل از ورود در مسأله هیت - جواب باید دانست که کلیه نویسندگان جهان همواره دو چیز را راهنما یا عامل تراوش های قلمی خود قرار میدهند که یکی از آنها عرفان و دیگری احساسات نام دارد اگر چه عرفان و احساسات بطور کلی با یکدیگر متناقض میباشند لکن وجود هر دو در جهان ادبیات ضرورت کامل دارد راست است که گفتن يك مشت حقایق خشک و هریان که همان عرفان باشد بدون نمایش احساسات شورانگیز شاه را کسل کنند و میندل میسازد لکن افراط در ابراز احساسات نیز ممکن است انسان را از حاد حقیقت و معرفت منحرف و بیانات ویرا اغوا آمیز سازد .

نویسنده گرامی که جواب مقاله (زن در عالم یهود) را نوشته اند بنظر اینجانب در بعضی قسمت ها احساسات را بر حقایق اب ساخته و بسرحد اغراق هم رسیده اند بدون اینکه تمعد یا قصد بدی داشته باشند زیرا هر نویسنده با احساساتی خواه نخواه دچار این سر نوشت میگردد مثلا در یکجا مینویسند « هزاران زن یافت میشوند که دارای ثروت و متول سرشاری هستند که خود بدست آورده اند » بسیار دیگر از دسترنج خود آن متول را تحصیل نموده اند و حال آنکه اگر گفته شود یکی از هزار زن در دنیا بدین صفت پیدا میشود باز هم ممکن است اغراق آمیز باشد .

در کشورهای بیگانه این تعین اخیر شاید مقرون بصواب باشد لکن در ایران چنین زنی را که متول سرشاری بدسترنج خود فراهم نموده باشد ندیده ایم مگر آنکه در ردیف حاجی ربابه باشد ! والا بانوان ثروتمند دیگری که مادر این سر زمین مسی هناسیم ورثه رجال و اعیان کشور بوده و ثروت خود را از راه ارث بدست آورده اند . (از برادرانی که مقالاتی درج میفرمایند خواهش مندیم کوشش نمایند بیانات ایشان در حدود حقایق و عاری از اغراق باشد و جلو احساسات را بیش از حد معقول ول نکنند)

اگر ما گفتیم زن وظایف طبیعی مخصوصی از قبیل بار گرفتن و چنین در رحم خود پروردن و زاییدن و شیر دادن دارد چه اشتباهی کرده و از کدام حقیقت یا امر مسلمی منحرف شده ایم ؟ مگر در ضمن نگفتیم که این وظایف پای کمی از کارهای دشوار مردانه ندارد ؟ اگر گفتیم چنه زن تعیف تر و اندامش لطیف تر از مرد است آیا دروغ یا اغراقی گفته ایم ؟ مگر متعاقب آن نگفتیم که این کیفیت زن را از انجام کارهای سنگین مردانه معاف میسازد و علاوه يك جاذبه جنسی در وی تولید مینماید و همین جاذبه جنسی حقی برایش بوجود میآورد که حق دوست داشته شدن باشد ؟

وصلت با جهادات

اجتماعی

بقلم: س

... گردش روزانه بر هیجان ما با فرا رسیدن تاریکی شب میرفت تمام شود که رفیق هفت قله قائم بکمر تبه ایستاد و گفت « آه ! میخواستم فراموش کنم که امشب به عروسی دعوت داریم » گفتیم دعوت دارید یا دعوت داریم . گفت فرق نمیکند مرا دعوت کرده اند تو را هم همراه خود میبرم گفتیم بدون دعوت که نمیشود بجایی رفت این خلاف ادب است گفت « خدا بدتر را بیامرزد چه با تر بیت شده ای امروز در محیط ما فلان کردن کلفت بنام قانون و مأموریت بدون اجازه و رضایت صاحب خانه وارد خانه مردم میشود و اموال آنها را ضبط میکند و تصاحب مینماید نیکگویند خلاف ادب است یا فلان صاحب مجلس در زیر کارت دعوت یا بطور غیر مستقیم از مدعوین خواهش میکند که برای حفظ نظم و آرامش مجلس از آوردن اطفال خود داری کنند ولی بیک وقت بیچاره

اگر گفته شود که زن نمیتواند کارهای مرد را بکند مقصود اینست که زن بواسطه آن وظایف طبیعی که در بالا شمرده شد فرصت آن کارها را نداد در نباید هم از او چنین انتظاری را داشت خلاصه آنکه زن برای انجام کارهای طبیعی خودش خلق شده است . آقای نویسنده گرام ، مبنای حقایق مانووات اینست که شما هم منکر آن نیستید . در آنجا زن را محکوم باین سر نوشت کرده که عشقی نسبت بشوهر بر عشق شوهر نسبت بوی بچر بد و برای همین مسئله مرد بر او مسلط باشد . آری با اینکه عشق زن (یابی برده بگویم شهوت زن) زیاد تر است خداوندی که حکیم علی الاطلاق است و در همه امور موازنه برقرار نموده برای جبران این امر يك حجب و شرم طبیعی هم در زن خالق فرموده که مانند انسان جلو آن عشق شرشار را میکشد . اینست که بجای زن مرد در ابراز عشق جلو می آید و بقول شما در مقابل زن برانو در میاید .

ضمناً فرمودید جسم نمیتواند مآخذ تعیین حقوق باشد زیرا بکنفر هیوم شکن قوی گرسنه میماند و فلان دانشمند یا سیاست مدار با بدن لاغر در صف اول اجتماع قرار میگیرد اما در این زمینه فراموش نفرمائید که آن مغزی که شخص دانشمند یا سیاست مدار با آن کار میکند جزو بدن و جسم وی است و یکی از حقایق علمی آنکه مغز مرد سنگین تر از مغز زن میباشد .

آیا اینرا هم میتوان انکار نمود؟ از طرفی بسیاری از دانشمندان در اثر رحمت فکری لاغر و نحیف شده اند بدین معنی که هر چه از بدن آنها تحلیل رفته مغز آنها توسعه یافته است .

اما يك قسمت از بیانات جنابعالی هم موجب خوشوقتی و هم مایه شگفت اینجانب گردید و آن این بود که بنده برای اثبات اهمیت زن در بهبود زنان تاریخی اسرائیل را اسم برده

میزبان می بیند که فلان خانم با فلان آقامانند مرغ جوجه دار یکی از بچه های خود را زیر پهل و یکی را بدوش کشیده و دو تا هم اینطرف و آنطرف براه انداخته وارد میشود نیکگویند خلاف ادب است . حال اگر ترا که جوان با استعداد قابل مطالعه ای هستی همراه خود میبرم بی ادب جلوه خواهیم چه کرده اولاً من برای پذیرفتن دعوت نمیروم بلکه میروم که مناظر تازه تری بتو نشان دهم برویم و امتناع نکن .

چون موضوع دیدن منظره تازه می بود همراهی کرده و رفتن و وارد مجلس شدیم . در صدر مجلس مجسمه مجللو قشنگی از زرنا ب دیدم که به آلات طلا و سنگهای قیمتی مزین شده بود و دختری با نهایت ملاحظت و زیبایی در طرف چپ مجسمه نشسته و جوانی آراسته با چند قدم فاصله در سمت راست مجسمه قرار گرفته بود .

چشم بوشی از وضع مجلس و طریق شرکت مدعوین وجود مجسمه مرا متعجب نمود . پس از تمارفات معمولی نشستیم و آهسته برفیقم گفتیم : عروس و داماد کدام يك هستند ، اشاره نموده گفت « آن دختر زیبایی سمت چپ مجسمه عروس است و جوانیکه با چند قدم بقیه در صحنه ۱۲۵

شاهد مدعای خود قرار دادم جنابعالی هم سارا و بعضی دیگر از زنان باستانی اسرائیل را نام برده مبنای صحبت خود قرار دادید . در اینصورت تکرار غیر ضروری برای چه و تحصیل حاصل چرا ؟ اگر خواستید هر ایش بنده را تأیید بفرمائید بی نهایت سپاسگزارم .

در آنجایی که فرمودید آیه تورات نیکگوید (مرد بزنی خود خواهد پیوست) بلکه ترجمه صحیح آنست که (مرد در زن خود خواهد پیوست) اولاً برای جنابعالی اشتباهی دست داده که تصور نموده اید معنی حرف (ب) در زبان عبری همیشه باید (در) باشد و حال آنکه موارد بسیار ثابت میکنند که حرف نامبرده (به) نیز معنی میدهد ثانیاً مقصود جنابعالی را از این موشکافی نفهمیدم و از اینجهت در اطراف آن بحثی نمیکنم . در خانه چون قسمت حساس هر دو مقاله را جمع بعقوبت زن بود از جنابعالی و خوانندگان گرام خواهش دارم قسمت زیر را که این بنده در مقاله اولی نوشته بودم بدقت مطالعه فرمائید . در آنجا نوشته شد که (زن و مرد هر دو يك حقوق مشترک اجتماعی دارند ولی هر کدام يك حقوق مختص بخود را نیز دارا میباشد که ربطی بعقوبت دیگری ندارد) .

پس از خواندن و مطالعه این قسمت خوانندگان گرام قضاوت فرمائید .

بقیه از صفحه ۱۲۴

فاصله در طرف راست مجسمه نشسته است داماد است . گفتیم این منظره مرا بچند سؤال وادار کرد . گفت « منم میدانم چه خواهی گفت بگو »

گفتم اولاً این مجسمه چیست مگر صاحب این مجلس بت پرست است ؟

ثانیاً چرا این آلات زینت را بیگل این مجسمه نصب کرده اند ؟ ثالثاً چرا عروس و داماد بهلوی یکدیگر قرار نگرفته اند ؟ رابعاً چرا عروس نزدیک مجسمه است و داماد فاصله دارد ؟ خامساً

گفت « هر چه بگویی بیش از يك جواب ندارد قبل از اینکه زیاد معطلت کنم خلاصه میگویم که راحت شوی .

این عروسها و هر چه عروسی در این دیار صورت میگیرد برای بیوند يك جوان یا یکدختر و تشکیل خانواده نیست بلکه دختر را به تمول و دارائی شوهر میدهند و یا جوان هشتی پول و ثروت را خواستگاری میکند در واقع میتوان گفت آدم با آدم ازدواج نمیکند بلکه آدم با جهاد و صات میکند .

دیانات شما میگوید هر که با حیوانات پیوند کند باید کشته شود . اینطور نیست ؟ گفتیم همینطور است

گفت (وای بر احوال ما که پیوند و وصلتهای ما با بستر از حیوان صورت میگیرد یعنی با جهاد)

از روی تمجب نگاهی باو کرده و گفتم خیلی در پرده پوشیده صحبت میکنی من چند سؤال کردم جواب هر يك را جدا گانه میخواهم .

گفت « چون در مجلس هستیم و صحبت طولانی است صبر کن موقع خارج شدن برایت توضیح خواهم داد . » در طول چند ساعت مجلس که انتهای آنرا برای گرفتن جواب از رفیقم انتظار میکشیدم مناظری چند دیدم که هر يك بنوبه خود داستانی است .

مجلس پایان یافت و خارج شدیم و رفیقم گفت اکنون جواب سئوال خود را گوش کن .

« آن مجسمه نمونه ای از مجسمه مظهر ثروت است که امروز در میدان دیدی چون مردم این سامان اکثر مادی هستند و واحد مقیاس اهمیت هر چیزی را پول و تمول قرار میدهند لذا ازدواج هم بایستی روی پایه ثروت عروس و داماد صورت گیرد . قبل از اینکه جوان و دختر یا خانواده شان یکدیگر را خوب بشناسند و میزان شخصیت طرفین را بدست بیاورند برای اولین مرتبه احوال ثروت یکدیگر را میپرسند .

هر يك از طرفین یعنی دختر و جوان بدون اینکه قابلیت و نجابت و کار دانی طرف خود را جویا شوند در پی همسر

متمول و سرمایه داری میگردند

اینست که این مجسمه مظهر تمول را در صدر مجلس قرار میدهند و عروس و داماد در پناه آن قرار میگیرند و به زبان حال میگویند .

ما جمادی را برای همسری خود انتخاب نموده ایم نه آدمی را آن آلات زیور و زینتیکه بر سرا پای مجسمه آویخته بودند عبارت است از میزان پیشکشی داماد و عروس که یکدیگر تقدیم کرده اند که هم برخ مردم بکشند و بگویند ما تا این اندازه متمول هستیم وهم بمظهر ثروت بگویند که اینهمال تو است و ما برای خاطر تو این ازدواج را قبول کرده ایم .

نشستن عروس در پای مجسمه : گاهی عکس این دیده میشود یعنی داماد در پای مجسمه می نشیند و عروس فاصله دارد بسی افتخار است برای هر يك از آنها که نزدیکتر به مجسمه باشند زیرا دلیل بر ثروتمند بودن آنها است در این عروسی که امشب دیده ایم صحبت از تمول عروس نیست زیرا عروس بواسطه وجهت و ملاحظت از این قسمت می نیاز است و چون داماد زور پول از عروس خواستگاری کرده است عروس اگر هم پول باشد خود را از داماد متمولتر میداند زیرا داماد در پی عروس دویده و برای رسیدن بمقصد پول هار بیخته است اینست که عروس نزدیک مجسمه نشسته بود .

و اما فاصله داماد از مجسمه مردم متمول و پول دوست این دیار يك حساب وقاعدای میدانند که من نمیدانم و از روی همان قاعده میزان اهمیت اشخاص را حساب میکنند .

از روی آن حساب میسجند مقدار سرمایه داماد چقدر است و تا چه اندازه باید از مجسمه مظهر ثروت فاصله بگیرد هر قدر تمولش بیشتر باشد نزدیکتر به مجسمه خواهد بود و افتخارش بیشتر است . و هر اندازه کمتر باشد از مجسمه دورتر و شرمساریش فزونتر است .

تیمی نمودم و گفتم قبل از اینکه مرا بواسطه سادگیم سرزنش کنی میخواهم صراحتاً بگویم که در محیط ما هم نظیر این جریان حکمفرما است ولی نه به این واضعی گفت ننگ دیار خود را کوچک و کم جلوه مده در محیط شما بدتر از اینست .

گفتم گمان نمیکنم بدتر باشد ولی ممکن است باندازه اینجا باشد گفت گوش کن تا بگویم .

« این ثابت است که امروز بین ما و شما هر عملی مخصوصاً ازدواج بدور محور پول و تمول میگردد . در محیط ما راجع باین موضوع هر کس هر چه دارم معلوم میکند هر کس هر چه هست خود را تا اندازه ای مینمایاند و پس از توافق نظر ازدواج صورت میگیرد ولی در محیط شما مثلاً جوانی که می رود برای خواستگاری اگر سرمایه کافی نداشته باشد وسیله دلالت یا واسطه ای خود را از قارون ثروتمندتر و از افلاطون دانانر و از دستم بهلواتر ورشید تر معرفی میکند و با هزاران حقه بازی خود را غیر از آنچه که هست جلوه میدهد و واقعاً طرف خود را گول میزند فریفتن و گول زدن دیگران کمال

قیامیگه پس از سه هزار سال هنوز ادامه داره!

در آن زمانیکه حضرت موسی (ع) بانکاء توکل بخداوند متعال ببابک پیراهن ساده بلند و موهای ژولیده و یک چوب دستی خشک ساده دستگاہ فرعونیت را متزلزل نمود و ملت یهود را از بردگی و بدبختی نجات داد، آنها را برای فرا گرفتن تعالیم دینی و اخلاقی و سیاسی و جنگی در بیابانهای عربستان هدایت کرد و بتربیت آنها برای تشکیل دولت مستقلی پرداخت.

حضرت موسی (ع) از مایملک دنیائی چیزی نداشت جز یک عصای معجز نما. پسر هموی او موسوم بقارون (قورح) که از سرمایه داران افسانه ای تاریخ بود بنا بقاعده غلط طبیعی

نامردی و بستی است به عقیده من این قبیل اشخاص را بایستی فقط بدار آویخت

سپس آهی کشید و گفت مردم دیار ما و دیار شما هر دو بدبخت هستند زیرا تنها مایه سعادت را تمول میدانند علم، هنر، فهم، استعداد، کمال، اخلاق، ادب، مردانگی، غیرت، همت، فداکاری، خلاصه کلیه محسنات و صفات نیک در مقابل کمترین ثروتی ارزشی ندارد مخصوصاً در مورد این قبیل ازدواجها که یکی از علل اصلی بدبختی خانواده ها میشود. قبل از اینکه فکر کنند آیا جوان دارای اخلاق نیکو و شخصیت و قابلیت است، قبل از اینکه بدانند جوان لایق بدرشدن یا دختر قابل مادر شدن هستند، قبل از اینکه فکر کنند آیا خانواده خوب است و مفیدی برای جامعه از وصلت جوان و دختری وجود میآید اول چشم سرمایه و تمول بگردانند از تمدن نیکویم ثروت لازم نیست بلکه امروز بسیار مورد نیاز است زیرا بدون سرمایه با کرسنگی نمیتوان زندگی کرد ولی در مقابل شخصیت و قابلیت و دانش و فضل، ثروت در درجه دوم بلکه سوم اهمیت است.

حال اگر مردم این دو دیار جمع مال و ثروت را اصل مقصد زندگی ندانند بلکه آنرا جزئی وسیله ای از هزاران وسایل زندگی بدانند و در عوض در پی رشد فکری و قوای معنوی بروند و مخصوصاً مقصود از ازدواج را بفهمند برای چیست و با در نظر گرفتن توافق و تجانس و قابلیت جوان و دختر و وصلت را برای تشکیل خانواده و برای ازدیاد نفوس با شرایط لازمه صورت دهند. شاید بتوان یکی از پایه های مهم اصلاح جامعه را که امروز متزلزل است استوار و پایدار نمود و گرنه بدان با این طرز ازدواج و این قبیل زناشویها امید برای رفع پریشانی این مردم سیه روز نخواهد بود.

بنزل رسیدیم و برای استراحت باطاق وارد شدیم و گفت پس از قدری گفتگو درباره این مجلس عروسی که دیدی و مجالس دیگر طارق اصلاحاتی که چند روز قبل بتو وعده دادم خواهم گفت با اظهار امتنان سر بیالین نهاده و بخواب رفتم.

(که ثروت شخص را از مشاهده حقیقت با بینا میکنند و او را از راه بدر و مغرور مینمایند)

بامیدواری سرمایه خود گرفتار طوفان غرور و نخوت شد و مانند هزاران ثروتمند امروزی تصور کرد که ثروت مظهر قدرت و دانایی و دلیل فضل و کمال و لیاقت و جمال است. بگمان اینکه تمول تنها وسیله برتری و امتیاز شخص است بر دیگران با عده ای جیره خوار و تک پرورده خود که از مردان نامی وقت بودند و تعدادشان ۲۵۰ نفر بود بر علیه حضرت موسی (ع) برخاسته و شورش نمودند. میخواستند زمام امور ملت را از کف با کفایت آت یگانه دلیر راه آزادی و تمدن خارج کرده و خود با قوه پول و سرمایه در دست گیرند چون حقیقت همواره در نقطه ای است که پول در آنجا نیست و باکی و هر دانگی از هر دانی است که کمتر بگرد ثروت و مال دنیا رفته اند. آن شورش بنظر حضرت موسی (ع) بسیار گران آمد زیرا میدانست که قیام خودش بر علیه استبداد برای ترقی و تعالی نوع بشر بوده ولی شورش قارون و همکارانش برای ریاست و جاه طلبی و گمراه نمودن ملت است.

پس لازم شد که قارون و اموالش ناود شود تا در تاریخ ثبت گردد که با دست تهی ولی با ایمان و توکل میتوان قیامی کرد که ناچیزی و کم ارزشی پول در مقابل حقیقت ثابت شود.

بنابراین امر داد که قارون و اطرافیان و تمام اموالشان بزمین فرو رود و در طرفه العینی همه از صفحه گیتی محو شدند و برای اولین بار در جهان ثابت شد و در تاریخ ثبت گردید که سرمایه داری مغلوب حقیقت است و در برابر حقیقت همه چیز محو است مخصوصاً تمول دنیوی.

اولین آزمایش مثبت بعمل آمد که نوع بشر برای جمع مال و ثروت خلق نشده است بلکه مقصود حقیقت عالیهتری است که ثروت و پول در مقابلش محو و ناچیز است!

حال ای چند نفر سرمایه دار ملت یهود که بواسطه وجود شما و بواسطه بوالهوسی و خامی عده ای از شما همه کس تصور میکنند آن خانواده های بدبختیکه با چند بچه و یک تکه زبلوی باره پاره در یک بیغوبله و محل کثیف و ویرانی خیزیده و زندگانی میکنند در سرمایه زیاده از حد شما شریک هستند بدانید که همه چیز این جهان نا پایدار و موقتی و مال و مثال آن امانتی است که برای چند صباحی نوبت نگهداری آن را بشما داده اند ولی ممکن است نوبت شما بگذرد و این امانت بزودی از دست شما خارج و بدیگری داده شود.

همانطور که جامعه انتظار دارد هر هنرمندی هنر خود را برای استفاده جامعه وقف نماید مثلاً نجار بوقوع خدمت خود

را انجام دهد، آهنگر و خیاط و بنا و غیره بهمین طریق از ادای وظیفه خود داری تمایزند همانطور هم اجتماع متوقع است که شما هم از سرمایه خود که منزلت هنر شما است بوقوع در راه ترقی و تعالی جامعه وقف نمائید.

از طریق وجدان خودتان قضاوت کنید از این دماغهای مادی شماچه انکار نیکی نفع جامعه تراوش میکند. از این وجودهای پول پرست شما چه استفاده ای بجامعه میرسد ... صراحتاً بایستی جواب داد هیچ!

پس اگر از این يك راه (بذل مال و بخشش از سرمایه هنگفت و از گنجهای قارونی) بی هنری و بی ثمری خود را جبران نکنید. اجتماع شما را طفیلی و سربار بلکه مضر باحوال جامعه خواهد شناخت خوب فکر کنید چرا در کلیه جراید از هنرمندان و کارگران و دانشمندان و زحمتکشان تعریف و تمجید میشود ولی اکثر کتب و جراید بخائنین و به سرمایه داران حمله میکنند!

پر واضح است که آنها بدون مضایقه سرمایه معنوی و نیروی جسمی خود را بجامعه تقدیم میکنند ولی خائنین و سربار گمراهی و بدبختی دیگران میشوند و سرمایه داران هم رزق و روزی مردم را نزد خود حبس کرده و از ادای وظیفه خود یعنی کمک بجامعه از طریق سرمایه داری شانه جالی کرده و دریغ مینمایند.

اگر شما اسرائیل هستید. بدانید دیانت اسرائیل موافق با جمع مال و ثروت نیست بدلیل قیام رشیدانه حضرت موسی (ع) بر علیه قارون و سرمایه اش.

دیانت اسرائیل میگوید که مال خود را باید در راه ترقی جامعه صرف کنی نه فقط برای وجود خود از آن نگهداری نمایی عدل شما در دفاتر دیوان عدل الهی یاد داشت میشود بدانید اگر بوظیفه خود رفتار ننمایید و اثر ثروت خود نخواهید برای اصلاح وضع خراب و تنگنجامه صرف کنید در جریان تحولات زمانه قرار خواهید گرفت و این امانت را دیر یا زود از شما گرفته و بدیگری خواهند داد.

آیا کدام قانون اجازه میدهد که برادران شما و هموعان شما از گرسنگی جان بسپارند ولی شما بکنار سفره های رنگین بنشینید و ندانید کدام يك از خوراکیهای الوان را میل فرمائید؟ حتی قوانین وحشی ترین ملل جهان راضی نمیشود که در کنار شما هزاران طفل یتیم و بی مادر با دیده گریان و اندام لاغر و رخ زرد از شدت بدبختی و اغلب از گرسنگی ناله کنند و شبانه در پای دیوارها سر بر روی سنگ نهند و بیخواب روند ولی فرزندان شما در مهد نعمت و ناز پرورش یابند و با داشتن ده ها دست لباس و با خوردن انواع اغذیه لذیذ و با داشتن بازیچه های گوناگون و هزاران وسیله سرگرمی و شادمانی باز خود را ناراضی نشان دهند !!!

این چه عدالتی است که شما دارای ده ها ساختمان مجلل با هزاران وسایل آسایش باشید ولی در همسایگی شما هزاران

خانواده گرسنه و برهنه در کوچه و بازارها ویلان و شبانه سر بر روی زمین نهند و بیخواب روند؟

این چه خدا پرستی است که شما امانتی را که خداوند متعال بدست شما سپرده است که در راه بندگان بیچاره اش صرف کنید بنفع خود برای لذت و سعادت خود آنرا نگهدارید و برای رضای همان خداییکه آنرا بشما داده است راضی نشوید بکار برید؟

آیا تصور میکنید خداوند متعال این عمل ظالمانه شما را از نظر دور خواهد نمود؟

آیا خدا پرستی و دینداری خود را صحیح میندازید و میگویید که خداوند متعال شما را از بندگان نیک کردار خود حساب خواهد کرد؟

خوب است زحمتی بخود داده و چند ساعتی از وقت خود را بگذرد در « محله » صرف کنید و از نزدیک وضع پریشان برادران واقعی خود را به بینید.

به بینید و از شرم سرتیغ افکنید و از مشاهده زندگانی تنگین و پسر ادبار آنهایکه بایستی سبب افتخار ملت شوند خجالت زده شوید!

شما ی ثروتمندان ...

آیا نمیخواهید که روزی دارای شرافت و افتخار ملی شوید؟

اگر میخواهید ... با شرافتمند بودن کلیه افراد اسرائیل دارای شرافت و افتخار خواهید شد ولی اگر نمیخواهید مرک از زندگانی بدون افتخار و شرافت ملی بهتر است.

فکر کنید بالفرض اگر روزی بازرگ دیوان عدل الهی برای تمییز اعمال نیک و بد بشر باین دنیا اعزام شود شما نسبت بمسئولیت و وظیفه ای که بعهده دارید چه عمل نیکی در خود سراغ دارید؟

آیا نامه شما در پیشگاه احدیت و در نزد مظهر حقیقت و عدالت حاکی اعمال نیک شما است یا سیاه است؟

آیا با این رویه ناصواب و ظالمانه که پیش گرفته اید منتظر آموزش و رحم خداوند بیهب هستید؟

اگر از منافع هنگفتی که در این چند سال بدست آورده اید قسمت کمی از آنرا در راه خداوند متعال و بندگان بیچاره او نثار کنید چه میشود؟

هر معامله ای که میکنید تصور کنید از منافع آن ده يك کبتر استفاده برده اید و آن ده يك را بصندوق ملی یا مدرسه ویران و خراب و شرم آور خود پردازید.

آیا اگر برای این اقدام حاضر شوید ضروری بمنافع شما وارد خواهد شد؟

آقایان ثروتمندان ...

شما هم جزء این جامعه هستید و برادران تیره روز شما هم افراد این اجتماع هستند. مقام انسانیت وقتی شما را اسان

کامل میدانند که بفکرهم نوعان نهب دست و سیروز خود باشید فراموش نکنید چندسال پیش را که عفریت استبداد و مرگ در آستان خانه های شما و مایملکتانز تهدید میکردد راضی بودید آنچه دارید بجای بگذارید و جان سالم بدر برید ولی ممکن نبود فراموش نکنید که سه سال پیش با داشتن همه چیز خود را در خطر میدیدید و راه فراری نداشتید . فراموش نکنید که در زندگانی شما دارایی شما را قبلاً قسمت نموده بودند و نردان بر سر ثروت شما اهم مجادله و کشمکش داشتند . خوب است قدری بخود آید و هوشیار شوید و فکر کنید آن چه قوه رموزی بود که شما را از چنگل مرگ و فنا خلاصی بخشید؟ آن قوه قدرت همان خداوندی بود که این ثروت را بشما عطا کرده و برای عبرت همان خداوندی بود که این را هم بشما نشان داد ولی متنبه نشدید .

بدانید از طریق دیگر شما را آنگاه خواهد کرد امروز نهضتهای قوی ضد سرمایه داری که در شرف تکوین است و روز بروز بازوان قوی مردم دلاور و آزادی خواه جهان آنرا تقویت میکند روزی بسراغ شما هم خواهد آمد و انتقام خونینی مانند انتقام خونینیکه حضرت موسی (ع) از قارون کشید از شما هم خواهد کشید .

با هم لحظه ای فکر کنید آیا بیش از یک شکم برای خوردن و یک بدن برای پوشاندن و لذت بردن چیزی دارید؟ آیا موقع رفتن از این جهان چیزی با خود همراه خواهید برد؟ آیا بیش از چند فرزند برای ارث بردن اشخاص دیگری دارید؟ پس اینهمه اندوختن و انبار کردن جنون آمیز برای چیست و برای چیست؟ خوب است قبل از آنکه بیش از این برده از روی کار ما برداشته شود و قیامهای مخالف بر علیه شما ایجاد گردد شما خود بی بخیط خود برده و بوظیفه خود توجهی کنید .

هر يك مبلغی از منافع بیشتر و بیهوده ای که اخیر آمدست آورده اید رو بیم بگذارید . و صندوق ملی را تشکیل دهید و سازمان مرکزی جامعه یهود ایران را ایجاد نمایید بدور هم جمع شوید و برای شرکت در غم و بدبختی این ملت آواره و فقیر قدمی پیش نهدید و فکری کنید و چاره اندیشید . شاید بتوانید وضع آشفته این گروه بدبخت را اصلاح کنید و عده ای را از مرگ و فقر و ناخوشی و امراض گوناگون و بدتر از همه از بی تربیتی و بی سواد و نادانی و بی خانمانی و بی سر و سامانی نجات دهید . شاید بتوانید صدها اطفال یریلان و آواره و بی پدر و مادر را از پرتگاه گمراهی و فساد خلاصی بخشید و بیش از نیمی از این جامعه فلک زده را زنده کنید . بیاید با چیزی بخشش از تمول خود و از بذل یکی از ده ها هزار از مالیه خود جان هزاران فرد زنده را که در شرف مردن هستند بخرید و به هزاران مرد و واقعی حیات تازه بدمید بداند در مقابل گذشت چیزی از سرمایه خود هزاران برابر مزد و اجر نیک از خدای متعال خواهید گرفت .

قسمتی از بایبادهای ملت اسرائیل در مقابل مصائب و حوادث زمانه منوط بساعدت و معاونت و کمک یکدیگر است

جوابهای خصوصی

آقای ! ! !

شیراز : نویسنده مجهول مقاله بی امضاء « یهودیان شیراز در زیر بار ارتجاع » بفرض اینکه اعتراض شما نسبت به آقای ملا عنبران نعمان دارای مورد باشد ولی شما که ناظر وقایعی هستید و بگفته و ادعای خود ایمان دارید و از ذکر نام خویش خودداری نموده اید بطور انتظار دارید ما که از حقیقت جریان بی اطلاع هستیم اظهارات شما را واقعی دانسته و بچاپ برسانیم . با وجود اینکه میدانیم افراد اسرائیل بر ضرر جامعه نباید اقدامی کنند امیدواریم که عموماً برای ترقی و عظمت ملت میکوشند . انتظار داریم کارها را نیت آقای ملا عنبران نعمان علاوه بر اینکه بر علیه منافع ملی نباشد بلکه مفید هم باشد چنانچه اعتراض شما صحیح است بهتر است با نام و نشان واضح و شهادت چند نفر از محترمین مرقوم دارید و ما هم در حدود اختیار و وظیفه اقدام خواهیم نمود .

آقای ق . خرسندی
تهران : نظر شما درباره تربیت و بسواد کردن دوشیزگان مانند هزاران نفر دیگر بسیار بجا است نه فقط دوشیزگان بلکه جوانان و مردان حتی پسر زنان و پسر مردان هم محتاج تربیت و بسواد شدن هستند ولی با گفتن شما چاره نمیشود بلکه عمل و قیام همگانی تنها راه علاج درد های بی درمان ما است و اما راجع به مناسبت اجتماعی . معایب ما بیش از اینهاست که تصور نموده اید و توضیح و گوشود نمودن آنها بسته به تهیه حروف عبری که بتوانیم آزادانه بنویسیم .

آقای ا . د . محمودت
تهران : منظره ای که دیده اید و نظر کارهای زشت و تریاک کشیدن چند نفر جوان اسرائیل بوده اید جای بسی تأسف است ولی بدانید کسیکه زشت کار است اسرائیل نیست . امیدواریم اسرائیل واقعی از اعمال شنیع و پست دوری میکند و اگر شخصی فاسد و ناصالحی خود را اسرائیل قلمداد کند جامعه اسرائیل او را رد میکند . البته وظیفه هر فردی از ما است که گمراهانرا هدایت کنیم و از تزلزل آنها جلوگیری نماییم .

پدران ما این درس را خوب میدانستند و خوب عمل میکردند که نتیجه آن زنده بودن ما است در این دوره . بیاید شما هم مانند مرحوم سرالی حضوری آن مرد نیکوکار و زنده نام به پدران خود تاسی جوئید و برای امتحان ملی و زنده نمودن هزاران مرده و کسب نام نیک و ذکر خیر چشم از جزئی از سرمایه خرد بپوشید و در سایه تشکیلات منظمی صندوق خیریه تأسیس کنید که بتواند این بیکر متزلزل و از هم پاشیده ملت اسرائیل ایران را مرمت کند و نام خود را جاوید نماید و وظیفه ما گفتن است و باز هم میکوییم و پس از آن فریادها میزنیم تا بگوش همه عکس برسد و وظیفه شما اقدام نمودن و عمل کردن است ... «بچه کرد»

بقلم - هیستوریستوس

بقیه از صفحه ۱۰۷

جنگ بر علیه یهودیان

ترجمه - م عاشقیان

یهودیان شمال ایتالیا

یهودیانیکه برای مدت بیشتری از سایر برادران مرکزی و جنوبی ایتالیا در تحت تسلط نازیها بودند واضح است که بیش از آنها نیز متحمل ظلم و بیبندادگری شده اند هر يك از از شهرهای آنجا که قبل از اشغال آلمانها دارای عده یهودی بود چند نفری بیش از آنها قی نامانده است - در شهر میلان همانجا که ده هزار نفر یهودی تا قبل از جنگ سکونت داشتند بیش از پانصد نفر آن پس از تصرف شهر بدست متفقین باقی نمانده بود .



اظهار داشت که من فقط کاری کرده ام که به یهودانم یهودی ها را با ملت این ارض و جز این گناهی نگردد ام . پس بعد از آنکه شکای امرا این و آنها را شنیدند فریاد زد : «چهره ها ۰۰۰۰ چهره ها ۰۰۰۰ از آتوقنی که من اسیر شده ام تا بحال هیچ چیزی جز چهره در اطراف خود نمی بینم .»

همینقدر میدانیم که دوهزار نفر آن عده بسوی فرار اختیار کرده و قسمتی نیز بکوه ها متواری شده و خبری از آنها در دست نیست باز مانند گمان جامعه یهودیان این قسمت در اولین ملاقات خود از جامعه آزادی بخش ملی و روحانیون کاتولیک و - همچنین از نیوی مقاومت که در زمان استیلا نازیها هر يك بنوبت کمک های مؤثری ایشان کرده بودند اظهار تشکر و قدر دانی نموده است از یکپرزاد و پانصد نفر یهودی که در شهر ونیس سکونت داشتند اغلب بسایر نقاط - پنهانده و یا بسوی فرار کرده اند تنها در حدود یک صد نفر از آنها بدست آلمانها افتاده و در ۱۹۴۳ بدست نامولومی فرستاده شدند رئیس جامعه یهودیان این شهر « دکتر ژوزف ژونا » انتحار را بهتر از آن دانست که نام اعضای جامعه را در مقاله اصرار نازیها تحویل آنها دهد . رابی دکتر اوتولنگی Ottolenghi نایبشرا بهرامی عیال او ۵۰ نفر بیمار

مریضخانه و ساکنین يك پناهگاه مخفی را آلمانها با آلمان فرستادند ولی تمام پرونده ها و مایملک کنسای (مسجد) آن شهر که چندین طومار تورات نیز جزء آن بود نظر متفقین بودن و دسترسی نداشتن آلمانها بدانها بدون عیب باقی مانده است . اغلب شهرهای یهودی نشین این نواحی دستخوش جیاول و غارتگری نازیها شده و از عده اولیه آنها جز معدودی باقی نمانده اند - از پنج هزار یهودی که در شهر ترست سکونت داشتند و دارای تشکیلات قابل ملاحظه ای بودند فقط دو سست نفر آن باقی مانده که یکصد نفر ایتالیایی و قبی یونانی میباشد تمام اموال و مایملک یهودیان این شهر توسط آلمانها و ایتالیایی های فاشیست غارت شده است و طوری که گفته میشود هزار تا هزار و پانصد نفر از آن عده را در بهار سال ۱۹۴۴ باسارت بالمان بردند . پس از تصرف این شهر از طرف متفقین موقعیکه برای باز دید

کنسای آنجا که قبلاً فوق العاده قشنگ و باجلال بود رفته منظره داخل آن حضار را بینهایت متاثر ساخت صحن آن معلو بود از هزاران جلد کتابها یکیک از خانه های یهودیان دزدیده و طومار های تورات باره باره نیز جزء آن دیده میشد کتاب خانه بسیار مجلل آنجا که دارای کتب نفیسه مربوط بقرنهای گذشته نیز بود از هم پاشیده و دزدان هیتلری با اینها قناعت نکرده تمام اموال گرانبها و حتی صندوقها و نیمکت های آنجا را غارت کرده بودند .

بازماندگان یهودیان یوگسلاوی گزارشی که قبلاً مینوی برنا بودی کامل یهودیان یوگسلاوی داده شده بود اکنون با وجود اینکه عده بسیار کمی باقی مانده اند معرر نبود و باید تصحیح شود . اگر چه ممکن است عده ای از یهودیان پراکنده یوگسلاوی در نواحی جنوبی و شرقی از و با خصوص ایتالیا باز مانده باشند معذالك جامعه ای که قبلاً از هفتاد و پنج هزار نفر تشکیل میشد اکنون به هفت هزار نفر تقلیل یافته است در بلگراد پایتخت یوگسلاوی فقط هشتصد نفر از دوازده هزار نفر باز مانده اند - اما جای بسی خوشوقتی است که بتدریج زندگانی مذهبی و وضعیت تربیتی آنها بر قرار میشود با وجود اینکه هر دو کنسای های سفارادیم و اشکانازیم پایتخت ویران شده معذالك اجرای مراسم مذهبی هر هفته روزهای شنبه انجام میشود دوستان و آشنایان دکتر فردریک پایز Friderik Pays ارشدین اینک مشارالیه زنده و مجدداً

بکار خویش مشغول است بسی خوشوقت و خوشنود خواهند شد نامبرده ریاست جماعت یهودیان بلگراد را برای مدت سی و پنج سال داشته و مدت بیست سال نیز رئیس اتحاد یهودیان یوگسلاوی بوده و سهم بزرگی در فعالیت و رهبری صیونست دارا بوده است دکتر فردریک پایز در زمان اشغال پایتخت از طرف آلمانها در منزل يك خانواده مسیحی Serbe سرب پنهان بود و اکنون در مرحله ببری باموهای سفید تمام فعالیت هم خود را معصوف تجدید حیات و اصلاح و ضمیمت یهودیان آن مملکت مینماید . یکصد و پنجاه نفر از اهالی بلگراد که از بین اسرای اردوگاه نزدیک دانزیک بوسیله ارتش سرخ رهائی یافته بودند اینک مراجعت نموده اند . دکتر الکالای یکی از مردان برجسته و رئیس اتحاد جامعه یهود که خانواده اش در پیشرفت صیونست از روزهای هر صل سهم بسزائی داشتند جزء این اسراء میباشد .

باستثنای راب بزک و دکتر الکالی که بمالک متعهه امریکا فرار کرده و این چند سال در آنجا میزیست تمام رابها کشته شده اند.

اکنون حق تساوی سیاسی یهودیان در این مملکت محفوظ شده و بعضی از آنها دارای مقام و پیشه های دولتی میباشند از آنجمله آقای « موشه پیاد » Moshe Piade معاون پارلمان موتنی آنجاست - صد هانفر از یهودیان بلگراد جزو نیروهای مارشال تیتو بوده و با اینکه در آلبانی و ایتالیا و آلمان می باشند اینک پس از استخلاص شهر خانواده ها که در مجلهای مخفی بسر میبردند مراجعت کرده اند - سرانجام یهودی که در نیروی مارشال تیتو خدمت میکردند پس از تصرف سارازو Sarajevo نود نفر یهودی را که در زیر زمین يك مسجد مدت دو سال زندگانی مخفیانه ای داشته یافتند و این بینوایان میبایستی مقدار دوازه کیلو طلا بجزانه جماعت مسلمین آنجا بعنوان کرایه آن محل بپردازند.

(قتل و عام یهودیان لیتوانی)

کمیسون فوق العاده دولت شوروی مربوط برسیدگی و تحقیقات جنایات فاشیستهای آلمانی در باره قتل و عام یهودیان لیتوانی که تعداد آنها در موقع هجوم آلمانها به نود و پنج هزار نفر میرسد گزارش بدین مضمون صادر کرده است. از همان وحله اول اشغال نازیها شروع بکشتار یهودیان نمودند - در اکتبر ۱۹۴۱ دو هزار نفر یهودی را در کنیسا و قبرستان شهر ریگا Rigala سوزانیده و در همان ماه سی و پنج هزار نفر آنها را در يك محله ریگا برای کارهای اجباری و اذیت نمودن آنها جمع آوری کردند پس در نوامبر همانسال چهار هزار و پانصد نفر مرد و سیصد نفر زنهای قوی البینه آن همدرا برای عملی انتخاب کرده و ماقی ساکنین محله را نام و کمال در جنگل رابولسکی Rubmulsky که تقریباً دو فرسخ از آنجا مسافت داشت تیرباران نمودند - در ماه ژوئیه ۱۹۴۱ سه هزار نفر یهودی را در دوینسک Duinsk بازداشت و تیر باران نموده و قیه را با یهودیان سایر نقاط در يك محله ای محبوس کردند - در این محل سی هزار نفر جای گرفتند و پس از استقرار کامل شروع بکشتار دسته جمعی آنها نموده و این جنایات و کشتار تا اوائل ماه مه ۱۹۴۲ ادامه داشت و تنها چهار صد نفر از آنها باقی ماندند بعضی از زبان که به غیر یهودی ازدواج کرده بودند از این قتل و عام معاف بوده ولی بنا بر فرمان شخصی کمیسر آلمانی در ریگانام ویتروک Vitroک این زنان میبایستی متحمل عملی شوند که بزنگهای نازی برای عقیم گذاشتن و خنثی کردن تولید نسل در آنها انجام میدادند.

بازماندهگان یهودیان لهستان

طبق اظهار نماینده حکومت لهستان در فرانسه بنا استنفان چندری چوسکی (Stefan jenderuhouski) آخرین تخمین است که در باره یهودیان باز مانده لهستان زده شده پنجاه هزار نفر میباشد - نامبرده اظهار میدارد که بکصد و پنجاه هزار نفر یهودی لهستانی دیگر بطور پنهاننده در روسیه آسیایی (که ممکن است سببریه باشد) میباشند که با همان شرایط اهالی تابعین شوروی آنجا زندگی میکنند اما راجع بازگشت یهودیان لهستانی که در خود شوروی بوده و بیشتر آنها پس از هجوم

روسها در ۱۹۳۹ بسر زمین شرق لهستان شوروی برده شده اند قضیه تحت رسیدگی میباشد - بنا بگفته نماینده نامبرده تمام یهودیان آنجا بینوا و فقیر بوده و مثل سایر اتباع لهستان لزوم دستگیری و اعانت دارند از این جهت حکومت و روشولج نظر یهودیان انگلستان و امریکا و فلسطین را در باره مساعدت به آنها نموده است.

(عاقبت جامعه فرانکفورت)

شهر فرانکفورت که زمانی کانون مذهب یهود بود و خاطرات زیادی از آن باقی است اکنون رو به فرقه دارای بکصد نفر یهودی بوده و کلیه آنها در شش خانه از یهودیان که بر روی خرابه های آن شهر ریاست سکونت دارند در صورتیکه جمعیت مترقی یهود این ناحیه تا قبل از پیدایش هیتلر به ۴۰ هزار نفر میرسد. کارل اوپنهام Carloppenheim رئیس سابق یکی از بانکهای آنجا در این چند سال اخیر مسئولیت یهودیان این ناحیه را در مقابل حکومت نازی بعهده داشت - نامبرده اظهار میدارد بعد از خروج یهودیان بیش از جنگ و پس از انتحار های بی شماری که در زمان رژیم هیتلری بین یهودیان انجام میگرفت هنوز دوازده هزار نفر آنها باقی مانده بودند و این عده نیز بفر از چهار صد نفر آنها که با زنگهای غیر یهودی ازدواج کرده بودند همگی به اربوسیله نازیها بنقاط دیگری تبعید شدند - این عده باقی مانده نیز در فوریه سال گذشته باستثنای چند نفر بفر مرد هفتاد ساله که زبانی سن اجازه حرکت با آنها نمیداد در واگنها نیکه برای حمل چهار پایان بکار میبردند بنقاط نامعلومی فرستاده شدند.

در جایگاه کنیسای مخروبه آنها بنگاهی وجود داشت که به یهودیان اجازه میدادند در موقع حمله های هوایی بدانجا پناه برند - خانه مشهور روچلند و محل تولد همان پنج رادر بر جسته و خوشبختی که در اغلب نقاط اروپا بانکها بر قرار نمودند توسط نازیها تبدیل به يك موزه ضد یهود شده بود که بعداً این محل بانضمام « موسسه نازیها برای مطالعه مسئله یهود » که در همان کوچه واقع شده بود بوسیله بمباران هوایی متفقین تبدیل بخروبه گشت. یهودیان موفق به مخفی نگامداشتن دو طومار تورا گردیده بودند که بعداً آنرا مفتخرانه بسربازان یهودی آمریکائی هدیه نمودند.

(سفاکی ژاپوئیها نسبت به یهودیهای ژاپن)

ژاپوئیها تجربه نشان داده اند که در بدر فزاری وحشیانه خود نسبت به یهودیان شاگرد حقیقی مکتب نازیها میباشند. گزارش ژنرال ماک آرتور مربوط بسفاکی ژاپوئیها که از طرف وزارت جنگ امریکا صادر شده است شامل شهادت دکتر واتر - ک. فرانکل Dr. Walter K. Frankel یک نفر یهودی آلمانی که در دانشکده پزشکی دانشگاه فیلپین ست جراح و سخن وان داشت میباشد. نامبرده در شهادت نامه خود اظهار می دارد که دو دوازدهم فوریه یکی از گروهانهای ژاپوئی او و خانم و خواهر زنش را بازداشت دستبازان را از عقب بست و بخانه دکتر ه. ا. لورس H.A. Luerse که او هم باخانم و دخترش و سیزده نفر اهالی فیلپین دست بسته بودند بردند. سربازان ژاپوئی پس از جمع آوری آنها تمام اثاثیه خانه را حتی متکا

اوضاع و احوال یهودیان شهرستانها

نفوس : ملایر دارای چهل خانوار - اسرائیل یا سیصد و پنجاه نفر می باشد از این عده ده خانوار آن از طبقه متوسط و بقیه یعنی سی خانوار آن فقیر و بینوا هستند ، زندگی فقرا از درآمد قصابخانه و جمع آوری اعانه نامین می شود اخلاق عمومی اسرائلهای ملایر قدیمی و از آداب معاشرت بی اطلاع هستند ، شغل بیشتر اسرائلهای ملایر بزازی ، عطاری و پیله وری می باشد فقط دارای چند نفر عضو اداری هستند .

فرهنگ : نابحال دومرتبه اقدام بتاسیس دبستان بمنظور ترویج زبان عبری شده و کمکهای شایانی آقای اریه نماینده محترم اسرائلهای در این باره نموده اند مدتی مدرسه باز و مشغول کار بود ولی متأسفانه بواسطه فقر عمومی و نرسیدن بودجه کافی ار تهران مدرسه بسته شد و تمام افراد اسرائیل از این قسمت متاثر و غمگین هستند زیرا اگر در محیط کوچکی زندگی می کنند ، اما خوب می دانند اگر فرهنگ نباشد زندگی ارزشی ندارد.

عده دانش آموزانی که در مدرسه دولتی اهم از دختر و پسر مشغول تحصیل هستند پنجاه نفر است و بقیه بواسطه فقر و تنگدستی متأسفانه نمی توانند تحصیل کنند .

از طرف کانون جوانان برای ترویج زبان عبری کلاس اکابر دایر شد اما بکراه قبل معلم کلاس مزور تهران رفت و کلاس اکابر موقتاً تعطیل شد ولی کانون در صدد جستجوی معلم دیگری می باشد که مجدداً کلاس شروع شود علاوه بر کلاس شبانه از طرف کانون جوانان يك کلاس موسیقی دایر شده و موفق بتاسیس کتابخانه ای هم شده اند بالیکه کتابخانه

ها و دیسه های پر از کاه بدور آنها چیده و پس از اینکه نفت بروی آنها ریختند آنها را آتش زده و یکی از گروهانهای ژاپوئی برای اینکه آنها را زنده بسوزانند يك عدد نارنجک کوچک دستی بوسط جمعیت پرتاب نمود - خانم دکتر فرانکل و خانم دکتر لورس هر دو هدف واقع شده و بانو نفر فیلپینی کشته شدند - موقیمکه حرارت داخل خانه رو باریاد گذاشت و سربازان نگهبان مجبور بپروج آنجا شدند یکی از مستخدمه های بومی بقیه را که زنده مانده بودند نجات داده اینها نیز در غلظت دود که همه را از دید پنهان میداشت فرار اختیار کردند چهل نفر از پنهانندگان یهودی آلمانی در موقع غارت آتش زدن مایله از طرف ژاپوئیها بقتل رسیدند - یهودیان اتباع امریکائی که در اردوگاه « سانت طوماس » در دوره اشغال ژاپوئیها محبوس شده بودند پس از تصرف آنجا بوسیله نیروی آمریکای رهایی یافتند - اکنون صد ها یهودی مایله چه پنهاننده و چه بومی فیلپین در اثر غارت و خرابی و جپاول خانه و اموال و دارائی آنها بوسیله ژاپوئیها بی چیز و بی توابعی چاره شده اند .

ملایر

فرستاده آقایان داود کلیمیان رئیس جبراً و ابراهیم اسحق نیا رئیس کانون جوانان

کتاب زیادی ندارد باز مورد استفاده عموم قرار گرفته است و نیز برای تقویت جسم و جان جوانان باشکاه ورزشی خوبی تاسیس کرده اند اگرچه وضع بهداشت اسرائلهای ملایر خوب نیست ولی بیشتر خوشنودند که حمام جدید ملی درست شده و می توانند استفاده کنند .

تشکیلات : تا سال قبل در ملایر جز جبراً تشکیلات دیگر وجود نداشت ولی اواخر سال ۱۳۲۳ بیصد کانون جوانان تشکیل و مشغول ترمیم خرابیها و توسعه فرهنگ و ترویج زبان عبری شده .

انجمن سخنرانی کانون اخیراً موفق گشته است با همکاری جبراً مرتباً روزهای شبان قبل از ظهر در کنیسا و بعد از ظهر در محل باشکاه سخنرانی های ایراد و جوانان را بفعالیت و کوشش برای بدست آوردن افتخارات ملی تشویق کند و اخیراً آقای خلیل شمس نایب رئیس کانون سخنرانی شیرین و پرهیجانی تحت عنوان « چرا عقب مانده ایم » ایراد نمودند که مورد پسند قرار گرفت ، کسانی که با اسرائلهای ملایر خدمت قابل تقدیر انجام میدهند آقایان داود کلیمیان ، یعقوب عزیزیات ، رحیم کلیمیان هستند که مرتباً ب فکر رفاهیت توده بیچاره هستند .

نقشه اصلاحی : واجب تر از هر چیز ایجاد دبستان ملی یا تجدید مدرسه منحل شده می باشد که باید الیانس اسرائیلیت منتهای کوشش را برای این منظور بنماید .

۲ : کمک موثر بکتابخانه موجوده و تهیه کتابهای مفید برای کتابخانه مزبور .

۳ : درست کردن انجمن روحانی زیرا بواسطه بیسوادی و بی اطلاعی از قوانین مقدس تورا اغلب تحت تاثیر تبلیغات دیگران قرار گرفته اند و بیم آن میرود که این مرض شیوع بیشتری پیدا کند .

۴ : تشکیل کانون بانوان و همکاری آنان برای پیشرفت جامعه .

عالم یهود : ما انتظار داریم آقای مراداریه (که بفرهنگ دوستی و نزع پروری ایشان اطمینان کامل داریم) توجه بیشتری با اسرائلهای ملایر بنمایند و مخصوصاً مدرسه ای که با کمک ایشان در ملایر تاسیس و بعداً بسته شده است مجدداً افتتاح فرمایند و شاید بتوانند معلمی را برای کلاس اکابر آنها بفرستند که کودکان ، جوانان و حتی پیر مردان معلومات عبری خودشان را تکمیل کنند و نیز از انجمن کلیمیان تهران مخصوصاً الیانس اسرائیلیت تقاضای کمک بفرهنگ ملایر را داریم .

عالم



یشیوادر بهشتیه

در شب جمعه ۲۶ مرداد ماه از طرف חברت عقودت حיים در محل بهشتیه مجلس روحانی (یشیوا) تا صبح منعقد بود و عده زیادی شرکت نموده بودند.

قبلا آقای مهندس روغنی «پانچ الیا هو» را با سخن دلنشین و جذابی تفریر نمودند.

سپس آقای فی داود نطق افتتاحیه را ایراد و بیانات صالیانه انجمن را با ذکر اسامی کسانی که مبالغه کرده بودند بنظر حضار رسانیدند ضمناً شرح مفصلی توأم با احساسات و جوش و خروش گرمی درباره عده ای که از کمک بامؤثر خیریه خود داری میکنند ایراد نمودند.

بعد از آن آقای عبداللہ ناسی سخنرانی جالب توجه و پر معنی ای درباره امور مذهبی ایراد کردند که مورد استقبال عموم شنوندگان قرار گرفت (واقماً وجود افراد عالم و خون گرم و پاکدامنی مانند آقای عبداللہ ناسی مایه افتخار جامعه یهود است).

سپس از طرف عده ای از جوانان بنام کارگران جوانی برای تبلیغات راجع بنمایشی بمنظور تأسیس کارگاه نجاری شروع به صحبت نمودند.

در آخر آقای داود سالم زاده درباره (روحانیت و متمم آنکه عمل و کردار نیک است) صحبت کردند.

و بعد از آن حضار تا صبح بدعا و مناجات مشغول بودند.

عالم یهود از انجمن عقودت حیم و انجمنهای دیگری که در راه امور خیریه متحمل زحمات فراوانی میشوند قدردانی نموده و ملت را به پشتیبانی از آنها دعوت میکنیم.

تشکیلات در اراک

طبق نامه ای که از آقای سلیمان روینی بازرسیده است در اثر مسافرت مهندس سامیح به اراک و اقدامات ایشان اسرائیل های این شهرستان که تا حال دارای تشکیلات مرتبی نبودند به تأسیس انجمن خیریه و قرن قیمت اقدام نموده و از ۲۵ مرداد ماه شروع بکار نمودند.

یهود

ما اقدامات اصلاح طلبانه آنها را تبریک و موافقت ایشان را خواستاریم.

اظهارات ترومن رئیس جمهور آمریکا

اظهارات ترومن در کنفرانس بوتسدام با چرچیل و اتلی موضوع فلسطین را مطرح نموده و با آنها پیشنهاد کرده که عده ای از یهودیان در فلسطین بمنوان مهاجر قبول شوند. مذاکرات در این موضوع هنوز ادامه دارد.

رادبو بیروت - از قاهره خبر میرسد که ان السعود اظهار داشته که اگر دولت آمریکا در باره مسئله فلسطین از یهودیها پشتیبانی نماید این عمل موجب میشود که دولت عربی سعود راجع بامتیازات نفت آمریکا در کشور عربی سعودی تجدید نظر کند و شاید در حقوق آمریکا در این باب زیانی وارد آید.

عده ای از نمایندگان یهودی وزارت امور خارجه انگلستان رفته و تصمیمات کنکره یهود را که اخیراً در لندن منعقد شده بود وزارت خارجه انگلیس تسلیم نمودند. این تصمیمات در باره چگونگی رفتار با یهود بهادر آینده میباشد. وزارت امور خارجه انگلیس هم وعده داده که تصمیمات مزبور را مورد مطالعه قرار دهد. سپس جواب خود را بدهد.

مذاکرات نخست وزیر مصر و عراق درباره فلسطین رابو لندن - محمود فحقی نقرات پاشا نخست وزیر مصر با نخست وزیر عراق در اسکندریه ملاقات نمودند و مذاکرات آنها درباره موضوع فلسطین بوده و نکته زیر مطرح شده است:

- ۱ - قضیه اراضی فلسطین و منع فروش آنها بیهودیان.
- ۲ - بالا بردن سطح زندگی اعراب در فلسطین و مخصوصاً سطح زندگی دهکده های عربی.

کتاب سفید انگلستان یک نظریه اشتباه آمیز بوده است رادبو لندن - روزنامه نیویورک (هرالتریبون) نقله ای در تفسیر اظهارات اخیر هری ترومن در باره فلسطین انتشار داده و طی آن چنین مندرک شده است که رویه ترومن درباره فلسطین اینستکه وعده بلفور در خصوص ایجاد یک حکومت یهودی در فلسطین عملی دود.

این یگانه راه حلی است که ملت آمریکا با آن موافقت

مینماید. کتاب سفید انگلستان راجع تجدید مراجعت فلسطین یک نظریه اشتباه آمیز بوده است که اکنون موقع اصلاح آن فرارسیده است.

قضیه فلسطین و حل آن اختصاص با اعراب و انگلیسهاو یهودیها ندارد بلکه تمام ملل متفق در این قضیه ذبح هستند و هر صورت این قضیه را میتوان تصفیه و حل نمود.

عقیده جرائد لندن در خصوص فلسطین

رادبو بیروت - امروز مسئله فلسطین یکی از مشکلات بین المللی شده که مورد بحث تمام جهانیان گردیده است. مجله (اکونومیک) چاپ لندن مقاله ای درباره کنکره در لندن و مسئله فلسطین انتشار داده و طی آن مندرک شده که امیدوار است دولت انگلستان تصمیم فوری در این باب اتخاذ نماید.

هیچگونه استبعاد ندارد که اعراب و یهود دست اصلاح برده و جنگ جدیدی در خاور نزدیک برپا کنند و ما باید بهر نحو شده از چنین جنگی ممانعت نماییم.

ممکن است اعراب را راضی کرد که موافقت نمایند مقداری از یهودیان را فلسطین راه دهند بشرط اینکه اکثریت بایهودیها نباشد.

دولت آمریکا هم باید دو طرف را راضی کند که سیاست هائیلان ای بیروی نمایند.

قضیه فلسطین در مجلس شورای ملی انگلیس مطرح گردید

رادبو لندن - در ضمن مذاکرت مجلس عوام انگلستان چندین بار اشاره بقضیه فلسطین شده است.

یکی از نمایندگان حزب مستقل اظهار داشت که باید بقیه یهودیان اروپا را بفلسطین انتقال و در آن جا سکونت داد.

یکی از نمایندگان حزب محافظه کار اظهار نمود: باید هرچه زودتر راه حلی برای قضیه فلسطین ایجاد نمود و دولتی در فلسطین تشکیل داد که از اعراب و یهود تشکیل شود.

یکی از نمایندگان حزب کارگر اظهار کرد: تسلیم تمام فلسطین بیهودیان موضوعی است که هیچیک از اعضای حزب کارگر در فکر آن نبوده است و باید برای یهودیان مین جدیدی در حوزه امپراتوری انگلستان پیدا کرد.

فائز بیک الخوری نخست وزیر سوریه درباره بروز اظهارداشت که دولت و مجلس سوریه با تأسیس دولت یهود در فلسطین کاملاً مخالف است. باید است که بتوان قضایای خاور میانه را تصفیه نمود: مگر اینکه قضیه فلسطین طوری حل شود که با موافقت اعراب باشد.

کاشر

کلمه «کاشر» هم وسیله حقه بازی شده است از قرار اطلاعاتیکه بما رسیده است مهمانخانه ای بنام «کاشر» مدتی است در کوچه خندان خیابان لاله زار بر قرار است طبق شکایت و اعتراض عده ای صاحب آن موسوم بصادق مشهدی از کلمه کاشر که طبق قواعد مذهبی به معنی نهایت پاکی و حلالی و گوارایی

است سوء استفاده کرده و تحت این عنوان فریفته خوراکیهای کثیف و کهنه و بدمزه خود را که چند برابر گرانتر از خوراکیهای سایر مهمانخانهها است بخورد ایسرائلهای ساده و بیخبر آنها یکس از شهرستانها میبایند میدهد مثلاً کباب کوبیده و کلتنیکه درست میکنند عبارت از رزک و بیروپیه و کثافتانی است که بایستی طبق دستور دایستی و بهداشتی بدور ریزد و مغرط با قدری گوشت و نان خشک که به مشتریان دیندار و مؤمن خود میخواند مانوجه برادران ایسرائلهای دیندار و جوانان نظافت دوست را باین موضوع مهم جلب میکنیم که بکوشند مشول مهمانخانه را بنظافت و تهیه خوراکیهای بهتری وادار و از سوء استفاده او از هئاین مذهبی جلو گیری کنند

کرمانشاه کانون احساسات است

بدون اغراق میشود گفت قلوب فردا فرد ایسرائلهای کرمانشاه ملو از عشق و علاقه است و همیشه شعله ای از آتش احساسات درونشان را میسوزاند و برای دست آوردن افتخارات ملی اقلای بزرگ در فکر و مغزشان ایجاد میکردند بطوریکه روز و شب از فکر ترقی ملت دور نیستند و دائماً بایک جنبش و نهضت می نظیر به نشأت دادن استعداد و ابتکارات ذاتی خود مشغولند زیرا میخواهند بدیگران بفهمنند ملت ایسرائل برخلاف تصور کونه فکران قومی بر ابتکار و فعال بوده و میخواهد برای جامعه مفید باشد.

کودکان از اکنون درس احساسات میآموزند و در قلبشان علاقه ملی تزریق میکنند، جوانان با نهضت بیمانندی به ترمیم خرابیها و ایجاد سازمانهای سودمند که بشود از جوانان گمنام و گوشه نشین که در نتیجه سهل انگاری، سست و ضعیف بار آمده اند افرادی فعال و لایق تقدیم جامه نمود مشغولند بپیر مردها آنهاستیکه در اثر تجربه و آرمایش مویشانرا سفید و پشتشانرا خم کرده اند نیز بی نور و بی ارزش نیستند.

توده جوان با نیروی عظیم جوانی کار میکنند و بپرسالخورده هم با تجربه خود بند میدهد، دخترانهم ساکت و خاموش نیستند زیرا با جدیت زیاد برای تربیت نسل آینده خودشانرا آماده و میسازند. شاید کرمانشاه با این اقدام اساسی و قابل تقدیر خود میخواهد بسایر شهرستانها بفهاند موقع بی حس و بی جانی نیست، امروز لایقیدی و بی اعتنائی درد ما را دوا نمیکند باید با فداکاری، با جدیت، با کوشش و زحمت زیاد اهت و عظمت سابق را بدست آورد و آبرومند و پرافتخار زندگی کرد.

از سال گذشته دویروی قوی یعنی هیئت جوانان و باشگاه برادران شروع به فعالیت کردند، هیئت جوانان در امور اجتماعی و ملی و باشگاه در کارهای ادبی و ورزشی شروع به اقدامات سودمندی نمودند طوای نکشید که هیئت جوانان و باشگاه برادران با صمیمیت کامل با یکدیگر ائتلاف کردند زیرا منظور مرام هر دو آنها کسب افتخار ملی و تقویت روحیه جوانان بود.

گورش کبیر وقح بابل؟!...

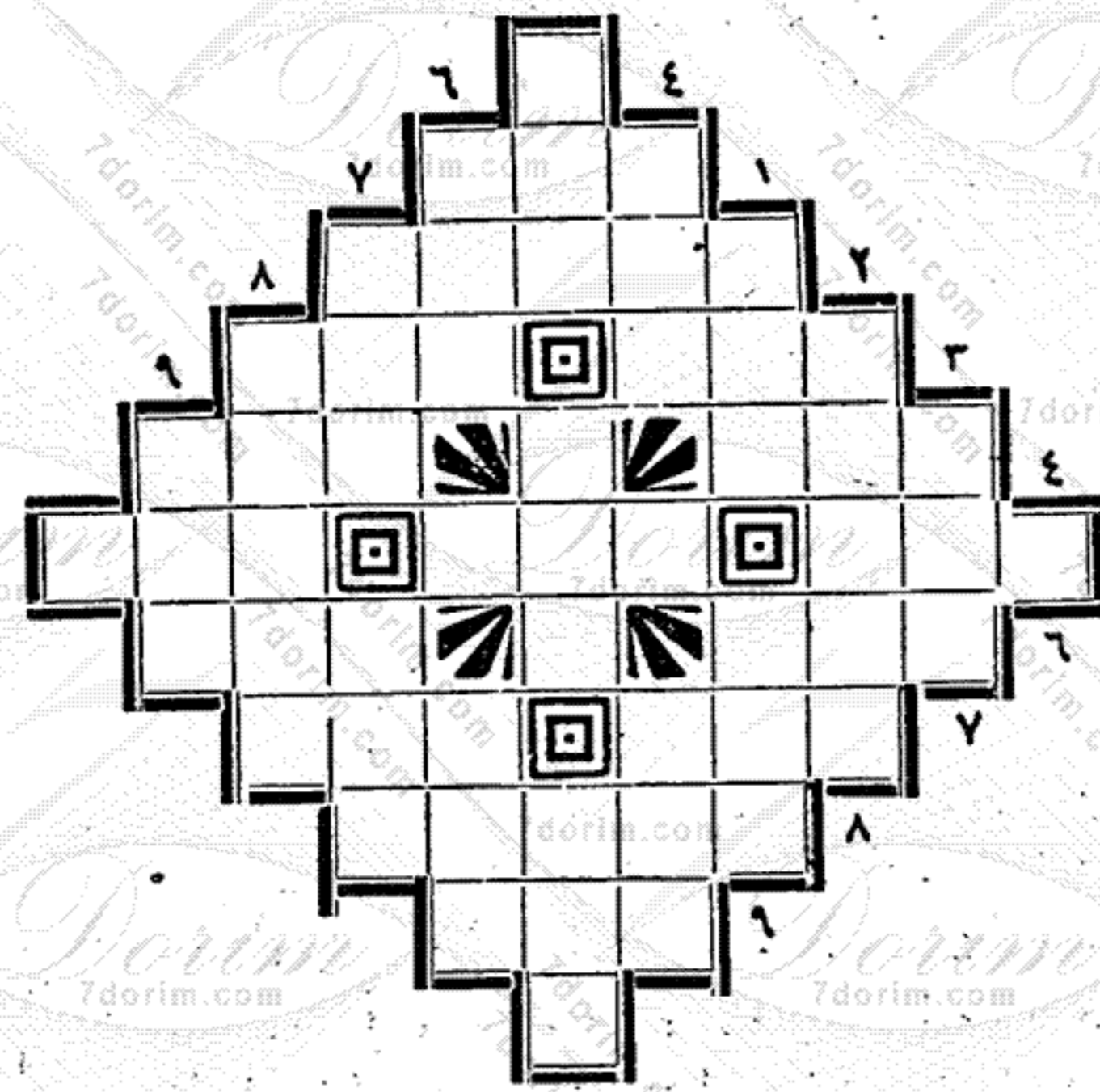


افتی

برای فرق کردن کشتیا در دریا میگذارند ۲- یکی از ستارگان ۳- ۰۰۰ باید که در کشاکش دهره سنک ۳- برین آسیا باشد - یکی از شهرستانها و منابع مهم معدنی فرانسه ۴- هوای رستان - سندیده ناتمام ۵- مریت انسان بر حیوان بواسطه آنست - درخت خرما - چند ۶- زن بر بان انگلیسی - ولی ۷- در کرباست - فعل امریست است با الحان بآه زینت ۸- یکی از آثار تاریخی زمانت ساسانیان ۹- خدا را گویند بزبان پیکانه

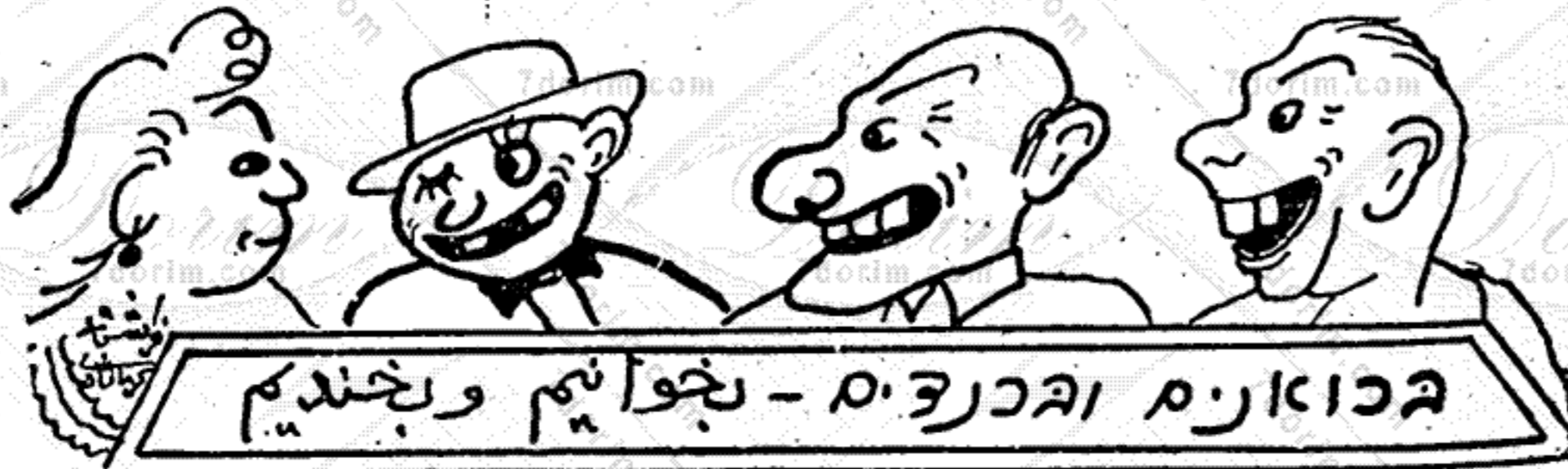
عمودی

۳- قد بلند بدان ماند ۲- نقطه حساس میان چشم ۱- از آلات قمار - ضد ۴- یکی از طوایف آریایی نژاد اولیه ایران - نمونه ۵- کره کرسته آنرا بخواب بیند - یکی از بدترین صفات انسانی که هر کس موظف است از آن دوری کند روضه رضوان ۶- سبب آبادی کشور مصر ابر اگر آب زندگی بارد، هرگز از شاخ آن برنخوری ۷- از بولهای قدیم ایران - کاهن اکسیژن تبدیل به آن میشود ۸- یکی از شعرای بزرگ ایران که کتاب لیلی و مچنون از آثار اوست ۹- رودی است در سیبری.



هوش کار

معمار - آهای عمو این خاکها را این جا ریختی چکار عمل - ارباب از این چاه بیرون آوردم.
معمار - خوب، میخواستی يك چاه دیگر بکنی خاک را نوش بریزی



چیز واضح

آموزگار - کی انسان اعلانش فاسد می شود.
دانش آموز - چیز واضحی است، البته در تابستان که هوا گرمست.
فرستنده: بمقوب هارونیان

- دیروز خودم را کشیدم.
- چقدر بودی؟
- ۷۰ کیلو!
- توهفتاد کیلو بودی! بابالتو یابی پالتو.
- بی پالتو! پالتو دستم بود.

دانش آموز - کره زمین !!! آنای آموزگار زمین بچه داره؟
دانش آموز - من که نمیدونم، اما میدانم که کره اسب ما شکل مادرش است.

آموزگار - کره زمین چه شکلی دارد
آموزگار - نه مزخرف.



بخش گودگان

مسابقه

برای بچه ها

بچه های عزیز

بچه های عزیز ما از اکنون برای شما مسابقه شیرینی تهیه کرده ایم که انتظار داریم حتماً خودتان و رفقایان در آن شرکت کنید ولی شرطش اینست فقط بفکر خودتان جواب بدهید و نگذارید بزرگتر از شما برایتان چیزی بنویسند زیرا میخواهیم استعداد خودتان بیدار شود و کم کم تقویت و رشد کند.

مسابقه ای را که برای شما در نظر گرفته ایم اینست « در آتیه وقتی که انشا الله جوان شدید چه کاری میخواهید انجام بدهید »

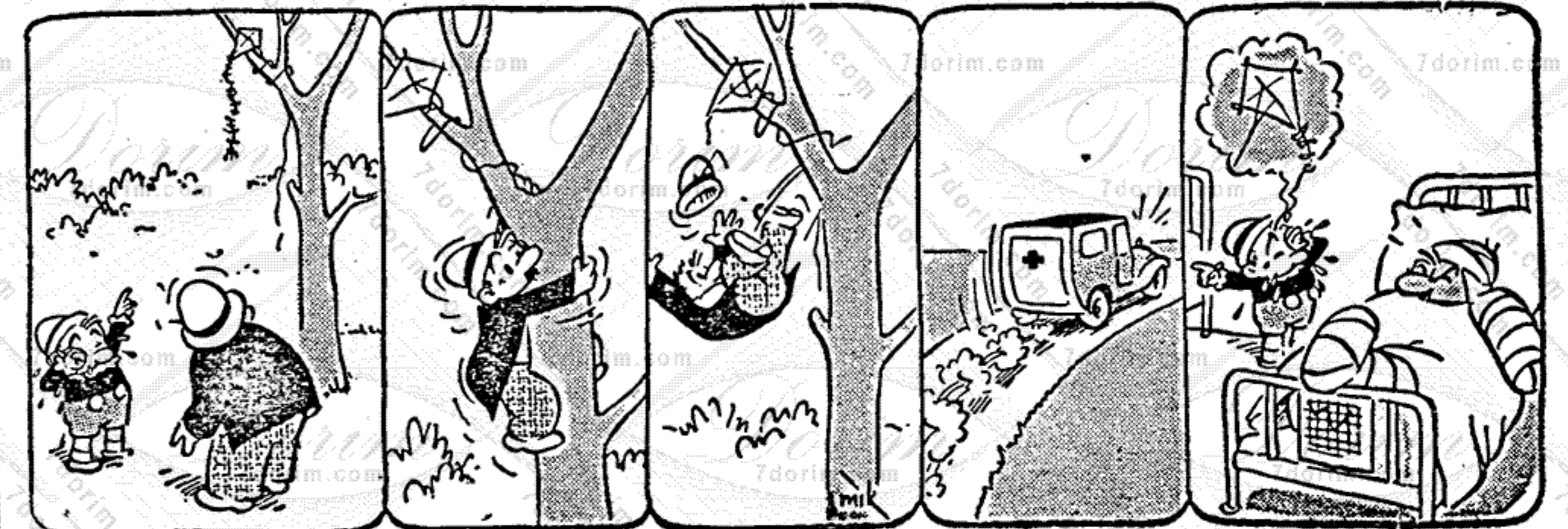
پرفسور، مکانیسین، دکترا، نویسنده، نقاش، کاسب تاجر بالاخره چه میخواهید بکنید و چه کاری را مایلید انجام بدهید. مدت این مسابقه یک ماه است بهترین جوابهایی که برسد بتدریج چاپ خواهد شد و بکسی که از همه بهتر نوشته باشد يك گلدان کوچک نقره جایزه میدهیم و عکسش را هم چاپ میکنیم.
خواهشمندیم ضمن نامه مسابقه خودتان يك ریال تمبر پست هم ضمیمه کنید زیرا اگر هر قدر هم خوب نوشته باشید و يك ریال تمبر پست نفرستید جزء شرکت کنندگان محسوب نمی شوید.

خوب گوش کنید، ما میخواهیم برخلاف دیگران که شمارا موجود های کوچک و نالایقی میدانند با شما دوست و آشنا شویم مخصوصاً آرزوهایتان را بدانیم، به افکارتان، بروحیتان، با احساسات و علاقه ملیتان پی ببریم و تا آنجا که میتوانیم تقاضای هایتانرا بر آوریم و برایتان مفید و سودمند باشیم، میخواهیم این صفحه را در اختیارتان بگذاریم چون خوب میدانیم جوانان فردای ما شاهستید و باید از شما اشخاصی غیور، شجاع، با حرارت و پر احساسات بار بیاید که باعث افتخار خود و فامیل عزیزتان و ملت کهن سالتان گردید. شما نباید مانند اغلب از جوانان امروزی که فاقد احساسات و علاقه ملی هستند و بآبی جانی و بی حسی کامل در گوشه های گمنامی بی نور و بی ارزش زندگی می کنند بار بیاید، ما شما چشم امید داریم، ما باید آتیه خود را بدست شما بسپاریم، شما خودتان را اشخاص ضعیف و کوچکی ندانید سعی کنید تا میتوانید از نیروی ذوق و ابتکار، شخصیت و وقاری که در وجود فردا فرد شما نهفته است استفاده کامل کنید، همیشه هدف و مقصودتان خالی و بزرگ باشد و در جستجوی چیزی باشید که توام با افتخار باشد.

ما امید داریم با برنامه صحیحی که برای شما در نظر گرفته ایم بتوانیم استعداد های باطنی شما را تقویت کنیم و نگذاریم خاکستر سرد فراموشی آتش های ذوقتانرا خاموش سازد.
فرشته

داستان بدون شرح

(از چاپ اراست)



عید سعید روشن هشانارا که روز فرخنده
اول سال است بعموم افراد اسرائیل

نشانی:
خیابان چرچیل
کوچه گل کار شماره ۷

بها ۷ ریال

جایزه

قسمت ۸

گردآورنده:

مهندس اوستانی
حبيب الله لای

بريك ميگوئيم و از خداوند
معاذتمدي همه را خواستاريم

«يكصد ريال جايزه»

برای هر قسمت از این کتاب که منتشر میشود یکصد ريال جايزه تخصيص داده شده است بدین طریق که هر قسمت این کتاب دارای امره ای خواهد بود بین امرات قرعه کشی خواهد شد پس این صحتات را نگهداريد و بخت خود را بازماليد هاید یکصد ريال نصيب شما گردد.

برنده این قسمت در قسمت نهم اعلام میشود

برنده جايزه قسمت پنجم این کتاب دارنده شماره ۴۴۹ می باشد که با ارائه قسمت پنجم این کتاب مبلغ یکصد ريال لنداً پرداخت می شود.

بزرگترین مسابقه دوچرخه سواری

از کرج الی تهران بمسافت ۳۶ کیلومتر
از ظرف کلوب ورزشی اردن

سه گلدان نقره نفیس
برای برندگان نقرات اول و دوم و سوم
بجایزه گذاشته شده است
نام نویسی تا ۲۰ شهریور و روز جمعه ۲۲ شهریور مسابقه
انجام میگردد برای کسب اطلاعات بیشتری بمحل کلوب واقع در
سه راه شاه کاشی شماره (۱۰۱۹) مراجعه فرمایید.
هیئت رئیسه کلوب ورزشی اردن

عکاسخانه یونان

با جدیدترین وسایل برقی روز و شب
چهارراه امیر اکرم جنب قنادی ماه مفتوح شد.
بهترین عکس ها با نازلترین قیمت مهیا می
شود سیاه قلم از روی عکس کهنه و عکس رنگی -
تعمیر دوربین عکاسی - عکس روی دستمال - ظهور
و چاپ فیلم - انگر دیسان ، کارهای آمانووی - بقید
ضمانت قبول میشود.



شرکت سهامی چاپ

افتتاح مهمانخانه شهرداری

مهمانخانه شهرداری که چندی قبل تعطیل شده بود باز بمديريت آقای محمود بیگانگر دایسر و با بهترین اغذیه و موزیک از مشتریان محترم پذیرایی مینماید.

ضنا جشنها و عروسیهای کوچک و بزرگ را به بهترین وجهی برگزار میکند.

کرمانشاه

مناصفانه بواسطه اشتباهی که در قسمت ششم رخ داده بود نام آقای حاج ابراهیم یزدی که از مردان نیکو کار کرمانشاه است در مقاله راجع به کرمانشاه از قلم انتاده . آقای حاج ابراهیم یزدی از مردانی است که عمر و ثروت خود را بدون مضایقه در راه خدمت بنوع و ترقی جامعه اسرائیل وقف کرده و امروز که از شدت پیری بی نهایت ضعیف است باز از خدمتگذاری کوتاهی نمیکند امیدواریم اعمال خیر این مرد شریف سر مشق دیگران گردد

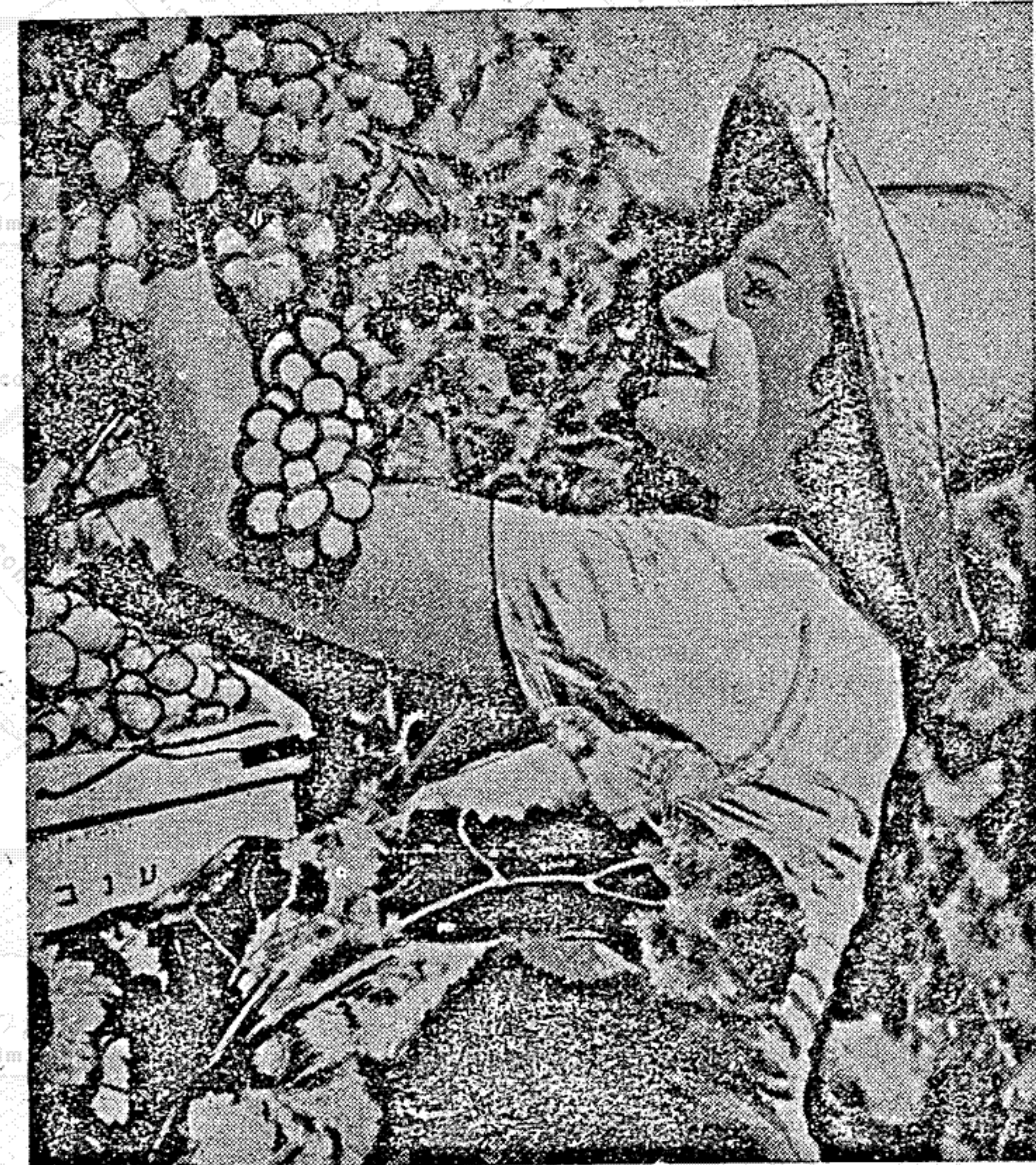
تقویم انجمن روحانی

با مزایای بیشتر و بهای نازلتر نسبت بمسال گذشته منتشر شد وفلا در بازار - حجره آقای قدسیان - بفروش میرسد

دبستان نور و صداقت

با اصلاحی که در وضع آموزش و پرورش داده و با تعفیفی که در قسمت شهر به شاگردان پیش بینی نموده دیگر جای هیچگونه فکر و نگرانی برای اولیای اطفال نگذاشته است.

دفتر آموزشگاه از ۵ شهریور باز و برای کلاسهای ابتدایی دخترانه و پسرانه شاگرد مینماید
نشانی: سرچشمه روبروی کوچه میرزا محمود وزیر.



۱۳۴۴